

## مشروطیت پوپولیستی و مفهوم قانون اساسی

چکیده:

قانون اساسی گرایی یا مشروطیت یکی از مفاهیم مهم دانش حقوق به ویژه در حقوق اساسی است. در این خصوص این مفهوم برداشت‌های زیادی در اندیشه حقوقی شکل گرفته است. یکی از انواع این مفهوم مشروطیت پوپولیستی است که در یک دهه اخیر مورد توجه محققان حقوقی قرار گرفته است. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر مهم‌ترین منابع در خصوص این مفهوم و نیز مطالعه تطبیقی موضوع در کشورهای مختلف به دنبال پاسخ به این پرسش است که مشروطیت پوپولیستی چیست و چه ویژگی‌هایی دارد. قانون اساسی برای پوپولیست‌ها معنایی متفاوت با معنای رایج آن در نزد حقوقدانان دارد. از این رو برخی موضوعات مندرج در قوانین اساسی مانند دادرسی اساسی و انتخابات و قوه قضاییه مستقل در اندیشه پوپولیستی دگرگون می‌شوند. نگاه مشروطیت پوپولیستی به قانون اساسی ابزاری است. آنها با تکیه بر مفهوم مردم سعی در حذف نهادهای واسطه همچون نمایندگی دارند و با اندیشه‌های مرتبط با دموکراسی به مخالفت برمی‌خیزند. همچنین کوشش شده است که نسبت مشروطیت پوپولیستی با مفاهیم نزدیک و هم مرزی مانند مشروطیت سیاسی و مشروطیت مردمی مشخص گردد.

کلمات کلیدی: مشروطیت سیاسی، مشروطیت مردمی، مشروطیت پوپولیستی، قانون اساسی

### مقدمه

شکل حکومت پس از جنگ جهانی دوم مدل نسبتاً یکسانی است.<sup>۱</sup> قانون اساسی مدرن برای مشروعیت خود به مردم وابسته است و از حاکمیت مردمی سخن می‌گوید و این حاکمیت را از قدرت مؤسس به قدرت‌های تشکیل شده منتقل می‌کند که در روایت قانون اساسی حقوقی به معنای اولویت دادن به نهادهای قضایی است. در این نظام، دادگاه‌های قانون اساسی یا دادگاه‌های عالی که مسئولیت بررسی و انطباق قوانین را دارند مهم می‌شوند. قوانین اساسی مدرن به عنوان ساختارهای قراردادی منسجم درک می‌شوند که در آنها مبانی قانون اساسی به طور واضح حل شده و برای آینده الزام‌آور می‌شوند.<sup>۲</sup> حقوق مدنی و سیاسی مندرج در قانون اساسی شهروندان و بازیگران سیاسی را قادر می‌سازد تا قوانین خود را در محدوده‌های تعیین شده توسط قانون اساسی اعمال کنند.<sup>۳</sup> مشروطیت لیبرال تفکیک قوا، حاکمیت قانون و بی‌طرفی دولت را ترویج می‌کند.<sup>۴</sup> لیبرالیسم برابری همه مردم یا همه شهروندان و اولویت حق بر خیر را فرض می‌گیرد و این احتمال که یک دولت لیبرال می‌تواند متعهد به انواع کمال‌گرایی باشد را رد می‌کند.<sup>۵</sup> با ظهور رهبران سیاسی پوپولیست در غرب، مانند دونالد ترامپ و مارین لوپن و ظهور روسای جمهوری مانند هوگو چاوز در ونزوئلا و رافائل کورتا در اکوادور در آمریکای لاتین و نیز تحولات اروپای شرقی در مجارستان و لهستان موضوع پوپولیسم به یک دغدغه در حقوق اساسی تبدیل شد.<sup>۶</sup>

<sup>1</sup> Heinz Klug, *Constituting Democracy: Law, Globalism and South Africa's Political Reconstruction* (Cambridge University Press 2000).

<sup>2</sup> Simone Chambers, "Contract or Conversation? Theoretical Lessons from the Canadian Constitutional Crisis" *Politics & Society*, vol. 26 (1998).

<sup>3</sup> Paul Blokker, "Varieties of populist constitutionalism: The transnational dimension". *German Law Journal* vol. 20, issue 3 (2019). P336

<sup>4</sup> Paul Blokker, "Populist Constitutionalism". *Forthcoming in: Carlos de la Torre (Ed.), Routledge Handbook of Global Populism*, (Routledge, 2018). P12

<sup>5</sup> Mark Tushnet, "The Possibility of Illiberal Constitutionalism" *Florida law review*, vol. 69 (2017). p1369

<sup>6</sup> David Landau, *Populist Constitutions*. The University of Chicago Law Review, Vol. 85, (2018). P521

این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی به دنبال پاسخ به این پرسش است که مشروطیت پوپولیستی چیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟ و نسبت آن با مفاهیم هم‌مرز چیست؟ برای پاسخ دادن به این پرسش‌ها لازم است فهمی از مفهوم قانون اساسی وجود داشته باشد تا بتوان دیدگاه پوپولیست‌ها به قانون اساسی و عناصر و محتوای آن را به بحث گذاشت. در مورد ضرورت انجام این تحقیق باید گفت که انجام چنین تحقیقاتی در کشور ما از این روی ضروری است تا فهم عمیق‌تری از مشروطیت و قانون اساسی پیدا کنیم و به این نکته التفات یابیم که گاه برخی از انتقادات از قانون اساسی و دموکراسی می‌تواند به ظهور پدیده‌های دیگری دامن بزند و تبعات ناخواسته‌ای برای نظام حقوقی داشته باشد. در کشوری مانند ایران که در راه ایجاد حکومت قانون با تکیه بر قانون اساسی تلاش می‌کند شناخت چنین مفاهیمی بسیار ضروری است، زیرا می‌تواند ما را از خطراتی و دام‌هایی که در این راه وجود دارد آگاه کند. برای نمونه تأکید بر نقش مردم بسیار پسندیده است اما توجه بیش از حد به آن ممکن است به دستاوردهایی خلاف هدف دموکراسی منجر بشود. در خصوص سابقه تحقیق باید گفت که در ایران هنوز تحقیقی درباره مشروطیت پوپولیستی و قانون اساسی در نظریه پوپولیست‌ها صورت نگرفته و این نوشته اولین تحقیق در خصوص این موضوع از منظر دانش حقوق است. البته در مورد خود مفهوم پوپولیسم آثاری به زبان فارسی وجود دارد که عموماً ترجمه هستند و از منظر دانش سیاست یا جامعه‌شناسی به موضوع ورود کرده‌اند (از جمله: تاگرات، ۱۳۸۱، موفه ۱۳۹۹، مولر ۱۳۹۶) و از منظری که در این مقاله بحث شده است یعنی حقوق اساسی اثری به زبان فارسی وجود ندارد.

## ۱- تعریف و انواع پوپولیسم

درباره پوپولیسم و انواع آن اختلاف‌نظرهای زیادی وجود دارد و نمی‌توان مدعی اجماعی در خصوص معنای آن بود. به گفته آیزایا برلین پوپولیسم نشان دهنده اکثریت کسانی است که توسط نخبگان، اعم از اقتصادی، سیاسی یا نژادی، به خاطر نوعی دشمن پنهانی یا آشکار آسیب دیده‌اند<sup>۷</sup> و عناصر اساسی آن برادری، برابری و آزادی از اقتدار تحمیلی است.<sup>۸</sup> برلین از دو نوع پوپولیسم واقعی و پوپولیسم کاذب<sup>۹</sup> نام می‌برد. پوپولیسم کاذب به کارگیری ایده‌های پوپولیستی برای اهدافی غیر از اهداف فوق و بسیج احساسات مردمی برای اهداف غیردموکراتیک است.<sup>۱۰</sup>

ماد و کالتواسر پوپولیسم را به عنوان یک ایدئولوژی که جامعه را در دو اردوگاه همگن و متضاد به عنوان مردم خالص و نخبگان فاسد قرار می‌دهد تعریف می‌کنند که در آن سیاست باید بیانی از اراده عمومی مردم باشد.<sup>۱۱</sup> به باور آن‌ها برخی از اشکال پوپولیسم با اقتدارگرایی و بومی‌گرایی ترکیب شده است، درحالی‌که اقتدارگرایی به یک جامعه کاملاً منظم اشاره دارد و در بومی‌گرایی دولت‌ها باید منحصراً توسط اعضای گروه بومی ملت ساکن شوند و عناصر غیربومی برای دولت-ملت همگن تهدید محسوب می‌شوند.<sup>۱۲</sup> پپا نوریس معتقد است همه پوپولیست‌ها تهدیدی برای دموکراسی مبتنی بر قانون اساسی لیبرال نیستند. او دموکرات‌های برنی سندرز، پودموس اسپانیا و جنبش پنج ستاره ایتالیا را در گروه غیراستبدادی و رجب طیب اردوغان در ترکیه، ویکتور اوربان در مجارستان، رودریگو دوترته از فیلیپین، هوگو چاوز و نیکلاس مادورو در ونزوئلا را در فهرست پوپولیست‌های اقتدارگرا قرار می‌دهد.<sup>۱۳</sup> برخی محققین،<sup>۱۴</sup> با تمرکز بر موارد مجارستان و لهستان معتقدند این نوع از پوپولیسم، عناصر قوی ناسیونالیستی و اقتدارگرا را به نمایش

<sup>7</sup> Isaiah Berlin, "To Define Populism", in *The Isaiah Berlin Virtual Library* (1968). P6. Available:

<http://berlin.wolf.ox.ac.uk/lists/bibliography/bib111bLSE.pdf> 10

<sup>8</sup> Ibid. p11

<sup>9</sup> false populism

<sup>10</sup> Ibid. p12-13

<sup>11</sup> Cas Mudde, Cristóbal Rovira Kaltwasser, *Populism: A Very Short Introduction* (Oxford University Press 2017).p6

<sup>12</sup> Ibid. p34

<sup>13</sup> Pippa Norris, "Is Western Democracy Backsliding? Diagnosing the Risks", HKS Working Paper No. RWP17-012 (2017).

<sup>14</sup> Gabor Halmai, "Is there Such Thing as 'Populist Constitutionalism?' The Case of Hungary" *Fudan Journal of the Humanities and Social Sciences*. Vol. 11, No. 3, (2018) pp. 323-339

می‌گذارد. رابرت هاوس نیز بین پوپولیسم خوب و بد تمایز قائل می‌شود و ادعاهای اولی را کثرت‌گرا و ادعای دومی را ضدکثرت‌گرایی توصیف می‌کند.<sup>۱۵</sup> برخی از محققین بر لزوم درک پوپولیسم نه صرفاً به عنوان تهدیدی برای دموکراسی لیبرال، بلکه به عنوان جنبشی ریشه‌دار در نارضایتی‌های اجتماعی واقعی و آرمان‌های دموکراتیک تأکید دارند.<sup>۱۶</sup>

مارک تاشنت پوپولیسم را به چپ و راست تقسیم می‌کند و پوپولیسم چپ را حمایت از محدودیت‌های حرکت سرمایه و پوپولیسم راست را به عنوان محدودیت در حرکت مردم توصیف می‌کند.<sup>۱۷</sup> به اعتقاد یکی دیگر از محققین پوپولیست‌های راست‌گرا ناسیونالیست‌هایی هستند که به مهاجران حمله می‌کنند و اصول مشروطیت را زیر پا می‌گذارند. پوپولیست‌های چپ، مانند سیریزا در یونان یا پودموس در اسپانیا یا برنی سندرز برابری طلبی چپ در ایالات متحده، بیشتر به فقر اهمیت می‌دهند.<sup>۱۸</sup> بلوکر از دو نوع پوپولیسم سخن می‌گوید: اولی پروژه لیبرال دموکراتیک را معیوب می‌داند و دنبال جایگزین آن است و بر ابعاد جمعی، فرهنگی و تاریخی در برابر فردگرایی لیبرال دموکراسی تأکید می‌کند. دومی برخی از اصول جامعه لیبرال دموکراتیک مانند فرد، حقوق بشر مرتبط و حکومت خودمختار مردمی را می‌پذیرد، ولی لیبرال دموکراتیک کنونی را در تحقق چنین آرمان‌هایی تحریف می‌کند.<sup>۱۹</sup>

## ۲- مشروطیت پوپولیستی

با آنکه در مورد پوپولیسم ادبیات وسیعی وجود دارد اصطلاح مشروطیت پوپولیستی<sup>۲۰</sup> جدید است و تنها در دهه‌های اخیر و به علت وجود انواع جدیدی از حکومت و برخی از حوادث سیاسی و حقوقی مورد توجه محققین قرار گرفته است. بلوکر، مشروطیت پوپولیستی را شکلی از نقد قانون اساسی و ضد مشروطیت می‌داند تا انکار آشکار مشروطیت لیبرال و حاکمیت قانون.<sup>۲۱</sup> او در جای دیگری می‌گوید پوپولیسم منجر به از بین بردن پتانسیل دموکراتیک مشروطیت می‌شود.<sup>۲۲</sup> پوپولیست‌ها ادعا می‌کنند که نماینده مردم و صدای آن‌ها هستند و بر تقدم سیاست بر قانون تأکید می‌کنند.<sup>۲۳</sup> این موضع شبیه آرای اشمیت است. قانون اساسی از نظر اشمیت بیانگر تجانس اساسی هویت و اراده مردم و تضمین موجودیت دولت است و هر ترتیب قانونی مبتنی بر یک عمل قدرت سیاسی است یا از آن سرچشمه می‌گیرد.<sup>۲۴</sup> از نظر اشمیت اساس تصمیم سیاسی توسط مردم به عنوان وحدت سیاسی بر اساس اراده آزاد خود اتخاذ می‌شود. این اراده سیاسی در کنار قانون اساسی و فراتر از آن باقی می‌ماند. اشمیت همچنین مردم را به عنوان یک واقعیت وجودی در مقابل نمایندگی در پارلمان به تصویر می‌کشد و از این رو معتقد است که موسسینی تجسم واقعی دموکراسی است.

برخی از مشروطه‌خواهان معتقدند اصطلاح مشروطیت پوپولیستی درست نیست زیرا پوپولیسم و مشروطیت همدیگر را طرد می‌کنند. اگر مشخصه اصلی مشروطیت محدود بودن قدرت حکومت باشد، سیاست استبدادی و سیاست غیرلیبرال نمی‌توانند الزامات مشروطیت را برآورده کنند. پوپولیست‌های کاذب برداشتی از قانون اساسی دارند که با محدودیت قدرت، پایبندی به حاکمیت قانون و حمایت از

<sup>15</sup>Robert Howse, "Populism and Its Enemies" Workshop on Public Law and the New Populism, Jean Monnet Center, NYU Law School, 3, Sept. 15–16, (2017).

<sup>16</sup> Michał Stambulski. "Constitutional Populism beyond the Liberal Framework. Adam Czarnota's Program for Sociology of Constitutions". In: *The Law is for the Citizens, so it Should Serve Them*, ed. W. Zomerski, F. Cyuńczyk, P. Eckhardt, M. Paździora, (Scholar 2024), pp. 133-142

<sup>17</sup> Mark Tushnet, "Comparing Right-Wing and Left-Wing Populism" in *Constitutional Democracy in Crisis?* (Mark A. Graber, Sanford Levinson & Mark Tushnet eds. (Oxford University Press 2018)

<sup>18</sup> Gábor Halmi "Populism, authoritarianism and constitutionalism" *German Law Journal* vol20. (2019). p298

<sup>19</sup> Paul Blokker "Varieties of populist constitutionalism. Op. cit. p344

<sup>20</sup> populist constitutionalism

<sup>21</sup> Paul.Blokker. "Populist Constitutionalism".op cit.

<sup>22</sup> Blokker,paul. "Populism as a Constitutional Project". *International Journal of Constitutional Law*, Volume 17, Issue 2. (2019)

<sup>23</sup> Akritas . Kaidatzis )"Populist Constitutionalism as a Critique on Liberal (or Legal) Constitutionalism". Paper submitted to the Workshop 'New constitutionalism? New forms of democracy and rule of law beyond liberalism', International Institute for the Sociology of Law, Oñati 12-13.7.. 1--18. p9

<sup>24</sup> Carl . Schmitt, **Constitutional Theory**. Translated by Jeffrey Seitzer (Duke University Press 2008)p 125–126

حقوق اساسی به عنوان مؤلفه‌های اصلی مشروطیت مخالف است.<sup>۲۵</sup> نظام‌های پوپولیستی غیرلیبرال، برخی از نهادها مانند دادگاه‌های قانون اساسی را حفظ می‌کنند، اما قدرت آن‌ها بسیار محدود است. همچنین اگرچه حق‌های اساسی در قانون اساسی آن‌ها ذکر می‌شود، اما ضمانت‌های نهادی این حقوق به دلیل فقدان قوه قضاییه مستقل به خطر می‌افتد.<sup>۲۶</sup>

مشروطیت پوپولیستی را می‌توان به عنوان یک جریان متضاد در برابر مشروطیت مدرن درک کرد.<sup>۲۷</sup> پوپولیست‌ها نقدهای مهمی بر مشروطیت لیبرال و لیبرال دموکراسی وارد می‌کنند، اما به وعده‌های دموکراتیک خود عمل نمی‌کنند.<sup>۲۸</sup> پوپولیست‌ها از گرایش لیبرالیسم به سیاست‌زدایی و دوری و بیگانگی بالقوه شهروندان از نهادها انتقاد می‌کنند و معتقدند تأکید بر عقلانیت قانونی، بی‌طرفی دولت و شکل‌گرایی قانونی موجب تضعیف سیاست می‌شود. مشروطیت پوپولیستی می‌خواهد مردم را مستقیماً به نهادها پیوند دهند و دموکراسی را دوباره برای شهروندان معنادار کنند.<sup>۲۹</sup>

پوپولیسم حاکمیت قانون را رد می‌کند و حاکمیت مردمی را در اولویت قرار می‌دهد. تأکید بر محدود کردن قدرت سیاسی از طریق قانون را رد می‌کند. حاکمیت مردم و قدرت موسس را در اولویت قرار می‌دهد. دولت مبتنی بر قانون اساسی را محکوم می‌کند و مدعی ایجاد یک نظم جدید قانون اساسی است که منافع عمومی را در برابر منافع جزئی ترویج می‌کند.<sup>۳۰</sup>

### ۳- ویژگی و شاخص‌های پوپولیسم

#### ۱-۳. وحدت مردم

یکی از ویژگی‌های پوپولیسم تأکید بر هویت جمعی و ارتقای مردم به عنوان یک واحد قومی ملی و مذهبی است.<sup>۳۱</sup> پوپولیسم با مشروطیت در مورد حاکمیت مردمی و اراده مردمی به عنوان مبنای مشروعیت سیاست و نظم قانونی وجه اشتراک دارد،<sup>۳۲</sup> ولی پوپولیست‌ها ادعا می‌کنند اصل حاکمیت مردمی در رژیم‌های لیبرال به اندازه کافی تضمین نمی‌شود.<sup>۳۳</sup> مارین لوپن، رهبر جبهه ملی در برنامه خود را برای مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری ۲۰۱۷ هدف اصلی خود را «بازیابی آزادی و کنترل خود بر سرنوشت خود با بازگرداندن حاکمیت مردم فرانسه» اعلام کرد.<sup>۳۴</sup> جنبش اسپانیایی حزب پودموس اعلام کرد پودموس در ترویج حقوق بشر، حقوق را به گونه‌ای ایجاد می‌کند که تمایز بین شهروندان و مهاجران را محو می‌کند.<sup>۳۵</sup> در آمریکای لاتین، پوپولیسم تأکید زیادی بر مشارکت گسترده مردم دارد و بی‌اعتمادی شدیدی به گفتمان تکنوکراتیک نشان می‌دهد.<sup>۳۶</sup>

25. Gábor Halmai "Populism, authoritarianism and constitutionalism" op. cit. p 312

26. Ibid. p313

27. Antal, A. 'The Political Theories, Preconditions and Dangers of the Governing Populism in Hungary', in: Politologický časopis-Czech Journal of Political Science, vol. 24, No 1. (2017) pp. 5-20.

Kahn, Paul, *Political theology: four new chapters on the concept of sovereignty* (Columbia University Press 2019)

28. J.W. Müller, "Populism and Constitutionalism" in: Cristóbal Rovira Kaltwasser, Paul Taggart, Paulina Ochoa Espejo. Pierre Ostiguy (ed.) *The Oxford Handbook of Populism*. (Oxford University Press, 2018).

29. Blokker, Paul. "Populism as a Constitutional Project". *Op cit*,

30. Ibid. p539

31. Gábor Halmai, "The Abuse of Constitutional Identity. The Hungarian Constitutional Court on the Interpretation of Article E (2) of the Fundamental Law" Review of Central and East European Law, Vol. 43, No. 1, (2018) pp. 23-42. Nadia Urbinati, *Democracy Disfigured: Opinion, Truth, and the People* (Harvard University Press 2014).

32. Canovan, M. 'Taking politics to the people: Populism as the ideology of democracy', in Yves Mény, Yves Surel (eds), *Democracies and the populist challenge*, (Palgrave Macmillan, 2002), p25

33. Paul. Blokker. "Populist Constitutionalism". *op cit* p1

34. Ibid. p5.

35. Nash, K. 'politicising human rights in Europe: Challenges to legal constitutionalism from the Left and the Right'.

*The International Journal of Human Rights*, vol. 20. No8: (2016), p 1298

36. Couso, J. (2012), 'Law, rights and social change in Latin America: Competing models of constitutionalism in an era of uncertainty', available at: [http://www.derecho.uba.ar/academica/posgrados/2012\\_javier-couso.pdf](http://www.derecho.uba.ar/academica/posgrados/2012_javier-couso.pdf).

مردم بر اکثریت و همچنین اقلیت‌ها تحمیل می‌شود و به عنوان یک اکثریت دائمی و ابدی درک می‌شود که باید توسط سیاست اساسی<sup>۳۷</sup> محافظت شود. تمایز بین سیاست مشروطه و سیاست معمولی<sup>۳۸</sup> از بین می‌رود و سیاست به طور منحصر به فرد به موضوع ترویج منافع مردم واقعی<sup>۳۹</sup> تبدیل می‌شود<sup>۴۰</sup> و منطق پوپولیستی دوست-دشمن حول محور دفاع از یک ملت در برابر دشمنان داخلی و خارجی شکل می‌گیرد.<sup>۴۱</sup> کسانی مانند نادیا اوربیناتی و بلوکر معتقدند مشروطیت پوپولیستی بر اصول حاکمیت مردمی و حکومت اکثریت استوار است، اما با نتیجه‌گیری‌های یک طرفه، ابعاد کلیدی مشروطیت دموکراتیک مانند کثرت‌گرایی، فراگیر بودن و مشارکت واقعی مدنی را نقض می‌کند.<sup>۴۲</sup>

## ۲-۳. تقسیم مردم

پوپولیسم جامعه را به مردم خالص و دشمنان آن تقسیم می‌کند و اولی را علیه دومی بسیج می‌کند. پوپولیسم تلاش می‌کند تا هژمونی سیاسی دشمنان را از بین ببرند و حکومت نیروهای مردمی را جایگزین آن کند و مانع هرگونه مشارکت یا نفوذ سیاسی و عمومی بیشتر این دشمنان شود. در این سیستم گروهی از شهروندان حقوق قابل توجهی دریافت می‌کنند و گروهی دیگر از حمایت ناچیز قانون اساسی در برابر رفتارهای خودسرانه برخوردار می‌شوند.<sup>۴۳</sup>

ارنست فرانکل، آلمان نازی را دولتی دوگانه<sup>۴۴</sup> توصیف کرد<sup>۴۵</sup> که به ظاهر حاکمیت قانون اجرا می‌شود. برای مثال، اختلافات بر سر قراردادهای تجاری یا مالکیت بین آلمانی‌ها توسط دادگاه‌ها رسیدگی می‌شد، اما سیستم قانونی دیگری وجود داشت که به اختلافات مربوط به یهودیان و غیرآریایی‌ها رسیدگی می‌کرد و اگر احتمال پیروزی بود دادگاه قرارداد را نادیده می‌گرفت. در یک دولت دوگانه شهروندان درجه یک و دو جدا می‌شوند. آریایی‌ها در آلمان نازی و سفیدپوستان در آپارتاید آفریقای جنوبی، شهروندان درجه یک بودند که از حقوق لیبرال و آزادی بیان برخوردار بودند. دولت دوگانه فرانکل غیرلیبرال است، اما اساسی نیست، زیرا شهروندان درجه دوم تابع حکومت خودسرانه هستند.<sup>۴۶</sup> مجارستان نیز یک دولت شبه دوگانه است که در آن بین مجارهای دارای قومیت لهستانی و مجاری تفاوت قائل می‌شوند.<sup>۴۷</sup>

پروفسور کاس ماد، پوپولیسم را به عنوان یک ایدئولوژی تعریف می‌کند که جامعه را در نهایت به دو گروه همگن و متضاد، مردم خالص در مقابل نخبگان فاسد تقسیم و استدلال می‌کند که سیاست باید بیانی از اراده عمومی مردم باشد.<sup>۴۸</sup> ماهیت «مردم خالص» و «نخبگان فاسد» در گونه‌های مختلف پوپولیسم بسیار متفاوت است. برای مثال، محققان آمریکای لاتین به امواج یا انواع مختلف پوپولیسم اشاره کرده‌اند: پروژه‌های پوپولیستی سنتی با تمرکز بر ادغام سیاسی و برابری اقتصادی در برابر نخبگان الیگارش، پوپولیست‌های نئولیبرالی که خصوصی‌سازی‌ها و اصلاحات اقتصادی ساختاری را با استدلال علیه نخبگان دولتی فاسد به تصویب رساندند و پوپولیست‌های رادیکال که بر مشارکت عادلانه سیاسی تاکید کرده‌اند.<sup>۴۹</sup>

<sup>37</sup> constitutional politics

<sup>38</sup> constitutional and ordinary politics

<sup>39</sup> real people

<sup>40</sup> Paul Blokker "Populism as a Constitutional Project". *Op cit.* p551

<sup>41</sup> Paul Blokker "Varieties of populist constitutionalism. *Op. cit.* p345

<sup>42</sup> Nadia Urbinati, "Populism and the Principle of Majority" in Cristóbal Rovira Kaltwasser, Paul Taggart, Paulina Ochoa Espejo, Pierre Ostiguy (ed.) *The Oxford Handbook of Populism*, (Oxford University Press, 2018) Paul Blokker "Populism as a Constitutional Project". *Op cit.* p537

<sup>43</sup> Mark Tushnet, "The Possibility of Illiberal Constitutionalism. *Op. cit.* p1384

<sup>44</sup> dual state

<sup>45</sup> Ernst Fraenkel, E. A. Shils (Translator), Edith Lowenstein, *The Dual State: A Contribution to the Theory of Dictatorship* (Lawbook Exchange, Ltd.; Lawbook Exchange ed. edition (2010)

<sup>46</sup> Mark Tushnet, "The Possibility of Illiberal Constitutionalism. *Op. cit.* p1372

<sup>47</sup> Ibid, p1373

<sup>48</sup> David Landau, *Populist Constitutions. Op cit.* P524

<sup>49</sup> Carlos de la Torre, *Populist Seduction in Latin America* (Ohio University Press 2d ed 2010) at xiii-xiv

### ۳-۳. مخالفت با مشروطیت لیبرال

ویژگی دیگر به گفته مارک تاشنت<sup>۵۰</sup> این است که انواع مختلف پوپولیسم علیه لیبرالیسم از طریق حمله به قوانین اساسی سخت و استقلال قضایی موضع گیری می کنند. پوپولیست ها با نهادهای واسطه مخالفند و روابط بدون واسطه بین حاکم پوپولیست و مردم را ترجیح می دهند.<sup>۵۱</sup> پوپولیسم ذاتاً با مکانیسم ها و ارزش هایی که با مشروطیت مرتبط است مانند محدودیت های اراده اکثریت، کنترل ها و تعادل ها، حمایت از اقلیت ها و حتی حقوق بنیادین دشمن است. مشروطیت ارتباط تاریخی نزدیکی با لیبرالیسم کلاسیک قرن نوزدهم دارد و از آنجا که لیبرالیسم مورد حمله جنبش های سیاسی محافظه کار، چپ و مختلف رادیکال کمونیست، فاشیست قرار گرفت، از مشروطیت هم نفرت به وجود آمد. این جنبش ها به معنای نظم اجتماعی از پیش تعیین شده گذشته یا اتوپیایی هستند و هر زمان که توانستند قدرت بگیرند به اصول اساسی مشروطیت آسیب می رساند. در این ایدئولوژی ها، محدود کردن قدرت به نام حاکمیت قانون، ناپایدار، پرهزینه و ناکارآمد است.<sup>۵۲</sup>

### ۳-۴. اکثریت گرایی

قانون اساسی پوپولیستی به دنبال اصلاح یا تضعیف دموکراسی مبتنی بر نمایندگی و کثرت گرایی است. از نظر پوپولیست ها، نمایندگانی که در انتخابات دموکراتیک برگزیده می شوند، مردم نیستند و صرفاً یک مجموع محاسبه شده از افراد بدون شکلی از تعهد جمعی هستند. به نظر آن ها سیاست های نمایندگی تحت تأثیر حزب گرایی و گروه های ذینفع نامرئی در پشت صحنه است که منافع شخصی برایشان مهم است نه منافع مشترک شهروندان.<sup>۵۳</sup> شکل افراطی اکثریت گرایی هسته اصلی شیوه حکومت پوپولیستی است. به گفته محققین در مشروطیت، اقلیت ها حق یا امکان قانونی دارند که بخشی از اکثریت باشند یا اکثریت شوند. طرفداران پوپولیست به اتحاد مردم در مقابل دیگران دست می زنند. دیگران، کسانی هستند که هویت ملی مشترک ندارند.<sup>۵۴</sup> مشروطه گرایی پوپولیستی حکومت نخبگان را مضر به نفع عمومی و بالقوه به نفع منافع جزئی می داند و نمایندگی با ایده مردمی متحد، که توسط رهبر پوپولیست نمایندگی می شود، جایگزین می شود.<sup>۵۵</sup>

### ۳-۵. نارضایتی قانونی

رابطه بین پوپولیسم و حاکمیت قانون رابطه ای تیره و تار است. نگرش پوپولیستی را می توان بدینی قانونی و یک موضع انتقادی و عاطفی نسبت به مشروطیت لیبرال دانست.<sup>۵۶</sup> این نگرش ممکن است به درک اشمیت از قانون اساسی و نقد او از مشروطیت لیبرال مرتبط باشد. به عقیده اشمیت، هنجارگرایی مشروطیت لیبرال «لحظه اصلی» را که در آن قدرت مؤسس خود را نشان می دهد، پنهان می کند. در لیبرالیسم، اعتقاد بر این است که قدرت مؤسس در نهادهای دموکراسی مشروطه جذب شده است و حاکمیت قانون بر مردم حاکم است. قدرت مؤسس به عنوان شکلی از قدرت نامحدود مردم، در گفتمان پوپولیستی در مورد اولویت مردم بر رویه ها جای می گیرد. برداشت پوپولیستی از قدرت مؤسسان بر حضور عظیم مردم تأکید دارد. از آنجایی که قدرت مؤسسان از مردم ناشی می شود، مادامی که

<sup>50</sup> Mark Tushnet, "Comparing Right-Wing and Left-Wing Populism" *op cit*

<sup>51</sup> Paul Blokker "Varieties of populist constitutionalism. *Op. cit.* p334

<sup>52</sup> András Sajó, Renáta Uitz. *The Constitution of Freedom: An Introduction to Legal Constitutionalism* (Oxford University Press 2017). p 52-53

<sup>53</sup> Paul. Blokker. "Populist Constitutionalism". *op cit.* p8.

<sup>54</sup> András Sajó, Renáta Uitz. *The Constitution of Freedom. Op cit*

<sup>55</sup> Paul Blokker "Populism as a Constitutional Project". *Op cit.* p540

<sup>56</sup> Paul Blokker. *New Democracies in Crisis? A Comparative Constitutional Study of the Czech Republic, Hungary, Poland, Romania and Slovakia.* (Rutledge university press 2013)

نتیجه اراده عمومی باشد و بتواند در مورد هر موضوعی و نه صرفاً در مورد محتوای قانون اساسی تصمیم‌گیری کند می‌تواند هر شکلی به خود بگیرد.<sup>۵۷</sup>

رویکرد عملی پوپولیست‌ها به قانون مبتنی بر ابزارگرایی است و یک موضع انتقادی، احساسی است.<sup>۵۸</sup> پوپولیست‌ها درک لیبرال از قانون به عنوان امری غیرسیاسی و خنثی را نمی‌پذیرند و جدایی بین قانون، سیاست و اخلاق را مورد انتقاد قرار می‌دهند. درک پوپولیستی از قانون بر ماهیت همیشگی از قبل سیاسی قانون تأکید می‌کند. در برداشت‌های لیبرال از دموکراسی، حاکمیت به دولت مربوط می‌شود و در نظام حقوقی و قانون اساسی جای می‌گیرد. پوپولیست‌ها حاکمیت را در ملت یا مردم قرار می‌دهند که در نهایت به قانون محدود نمی‌شود. پوپولیست‌ها درک لیبرال از حاکمیت قانون را به دلیل تأکید آن بر فردگرایی به عنوان مانعی برای دستیابی به وحدت سیاسی، مورد انتقاد قرار می‌دهند. حاکمیت قانون لیبرال وحدت را از بین می‌برد، زیرا سیاست را تقسیم و قدرت تصمیم‌گیری آن را از طریق سلسله مراتبی از قوانین و محدودیت‌های قانونی تضعیف می‌کند.<sup>۵۹</sup> پوپولیسم شبیه یک حرکت الهیات سیاسی به سمت یک مفهوم متعالی است که برای بازسازی مردم به «مردم ایده‌آل» و «مردم یکتا» استفاده می‌شود.<sup>۶۰</sup>

#### ۴- دموکراسی و پوپولیسم

پوپولیسم پارادوکس‌های دموکراسی مشروطه آشکار می‌کند از جمله نقش پیچیده قوه قضائیه هم به عنوان دشمن و هم به عنوان متحد بالقوه پوپولیسم، رابطه بین قدرت اقتصادی و پوپولیسم و در نهایت بن‌بست‌های لیبرالیسم. به باور برخی این ایده‌ها باعث بازنگری در باورهای دموکراسی شده است.<sup>۶۱</sup> به عقیده مود و کالتواسر پوپولیست‌ها، مشروطه‌گرایی نخبه‌گرایانه و قضایی را نقد و مشارکت شهروندان عادی در سیاست‌های اساسی را تأیید می‌کنند.<sup>۶۲</sup> در کار دیگری آن‌ها استدلال می‌کنند که پوپولیسم، با این ادعا که هیچ چیز نباید «اراده مردم خالص» را محدود کند، دموکراتیک است، اما در تضاد با لیبرال دموکراسی و با مفهوم کثرت‌گرایی است. پوپولیسم می‌تواند به دموکراسی غیرلیبرال تبدیل شود که مبنای حذف کسانی است که آن‌ها ادعا می‌کنند «مردم واقعی» نیستند.<sup>۶۳</sup> به اعتقاد برخی لیبرالیسم صرفاً محدودیتی برای قدرت عمومی اکثریت نیست، بلکه یک پیش‌شرط سازنده برای دموکراسی است که حاکمیت قانون، کنترل‌ها و موازنه‌ها و تضمین حقوق اساسی را فراهم می‌کند. از این نظر، چیزی به نام دموکراسی غیرلیبرال<sup>۶۴</sup> یا دموکراسی ضد لیبرال یا غیرلیبرال وجود ندارد.<sup>۶۵</sup>

ویژگی مشترک پوپولیست‌ها جذابیت سیاسی برای مردم و ادعای مشروعیت بر مبنای حاکمیت مردمی است. پوپولیسم می‌خواهد قواعد بازی را به طور اساسی تغییر دهد و رابطه صمیمانه‌تری بین نهادهای سیاسی و جامعه بزرگتر تحقق بخشد. آن‌ها درک لیبرال از سیاست پارلمانی و نمایندگی را منجر به تکه تکه شدن جامعه و از بین رفتن وحدت اجتماعی می‌دانند.<sup>۶۶</sup> پوپولیسم به پیچیدگی‌های دموکراسی

<sup>57</sup> Christos Papastilianos. Populism and Constitution Making Process.. In European Union and Its Neighbours in a Globalized World. Springer Nature. 2024. P 29-49

<sup>58</sup> Paul Blokker "Populism as a Constitutional Project". *Op cit.* p537

<sup>59</sup> . *ibid.* p550

<sup>60</sup> Claude Lefort, **The Political Forms of Modern Society Bureaucracy, Democracy, Totalitarianism.** (The MIT Press.1986)

<sup>61</sup> Akritas Kaidatzis, Eleni Kalampakou, Ifigeneia Kamtsidou. The People's Constitution: The Populist Transformation of Constitutional Law? (Springer2024)

<sup>62</sup> Mudde & Crist'obal Rovira Kaltwasser, "Exclusionary vs. Inclusionary Populism: Comparing Contemporary Europe and Latin America" Government and Opposition. Volume 48 Issue 2. (2013).p147

<sup>63</sup> Gábor Halmai "Populism, authoritarianism and constitutionalism"*op cit.* p310

<sup>64</sup> illiberal democracy

<sup>65</sup> .*ibid.* p311

<sup>66</sup> Paul Blokker, "Populist nationalism, anti-Europeanism, postnationalism, and the East-West distinction" German Law Journal, vol6.issue2. (2005)

مبتنی بر قانون اساسی توجه نمی‌کند و راه را برای دیکتاتوری دموکراتیک هموار می‌کند. لیبرال دموکراسی، به گفته پوپولیست‌ها، در ارتقای حاکمیت مردمی ناکافی است.<sup>۶۷</sup>

بیشتر محققین پوپولیسم راست‌ها را به عنوان تهدیدی برای دموکراسی مبتنی بر قانون اساسی می‌دانند.<sup>۶۸</sup> پوپولیست‌ها ادعا می‌کنند از شکل ناب حکومت مردم دفاع می‌کنند. همانطور که یان ورنر مولر گفته پوپولیسم ذاتاً با مکانیسم‌ها و ارزش‌هایی که با مشروطیت مرتبط است مانند محدودیت‌های اراده اکثریت، کنترل‌ها و تعادل‌ها، حمایت از اقلیت‌ها و حتی حق‌های اساسی دشمن است.<sup>۶۹</sup> به گفته نادیا اوربیناتی، پوپولیست‌ها به دنبال اجرای برنامه‌ای هستند که ویژگی اصلی و قابل تشخیص آن خصومت علیه لیبرالیسم و اصول دموکراسی قانون اساسی، از حقوق اقلیت‌ها، تقسیم قوا و نظام چندحزبی است.<sup>۷۰</sup> پوپولیست‌ها از نهادهای واسطه بیزارند، زیرا آن‌ها روابط بدون واسطه بین حاکم پوپولیست و مردم را ترجیح می‌دهند و اشکال مستقیم سیاست را بر انواع غیرمستقیم و مصنوعی ترجیح می‌دهند. پوپولیست‌ها قانون اساسی را تا جایی که به آن‌ها کمک کند تا اهداف خود را پیش ببرند، تأیید و حمایت خواهند کرد. در غیر این صورت آن را مورد انتقاد قرار می‌دهند، معنای آن را منحرف می‌کنند و زمانی که به قدرت می‌رسند سعی در اصلاح آن خواهند داشت.<sup>۷۱</sup> به گفته مولر<sup>۷۲</sup> جنبش‌های پوپولیستی نه تنها به دنبال کسب اکثریت هستند، بلکه معتقدند مخالفان سیاسی آنها غیرقانونی هستند و لیاقت حفظ قدرت را ندارند.

## ۵- پوپولیست‌ها و اصلاح قانون اساسی

به گفته لواندا بین پوپولیسم و تغییرات قانون اساسی قرابت وجود دارد. آنها از تغییر قانون اساسی برای انجام سه کارکرد استفاده می‌کنند: ساختارشکنی نظم نهادی قدیمی، توسعه یک پروژه اساسی که ریشه در نقد آن نظم دارد و تثبیت قدرت در دست پوپولیست‌ها.<sup>۷۳</sup> برخی از رهبران و احزاب پوپولیست قانون اساسی را به طور کامل تغییر دادند یا اصلاحات گسترده‌ای انجام دادند. رئیس آلبرتو فوجیموری در پرو (۱۹۹۵)، چاوز در ونزوئلا (۱۹۹۹)، کورئا در اکوادور (۲۰۰۸)، اوو مورالس در بولیوی (۲۰۰۹) و حزب فیدز در مجارستان (۲۰۱۱) همگی پس از به قدرت رسیدن قوانین اساسی موجود خود را جایگزین کردند. برخی دیگر از جمله اردوغان در ترکیه (۲۰۱۷)، با اصلاحات، تغییرات ساختاری عمیقی در متون قانون اساسی ایجاد کردند.<sup>۷۴</sup>

احساس بحران عمیق ناشی از اقدامات نخبگان فاسد، محرکی برای رهبران پوپولیست برای به دست آوردن حمایت است. رویدادهایی مانند غیرنهادی شدن نظام حزبی، تصور فساد دولتی فراگیر و رکود عمیق اقتصادی، جنبش‌های پوپولیستی را در موقعیت‌هایی قرار می‌دهند که بتوانند قدرت را به دست آورند.<sup>۷۵</sup> برای مثال، در ونزوئلا و اکوادور، نیروهای روسای جمهور چاوز و کورئا قانون اساسی خود را به طور یکجانبه بازنویسی کردند. آنها اقداماتی مانند طراحی قوانین انتخاباتی، حذف قضاات بالقوه متخاصم و بستن مجالس قانونگذاری را انجام دادند تا اطمینان حاصل کنند که مجالس مؤسسان توسط متحدانشان کنترل می‌شوند. در مجارستان نیز، حزب فیدز از دو سوم

<sup>67</sup> Werner Müller, *Populism and Constitutionalism*, op cit. p1-17

<sup>68</sup> Paul Blokker "Varieties of populist constitutionalism. Op. cit. p333. Gabor Halmai., "Is there Such Thing as 'Populist Constitutionalism'?" op. cit. Cas Mudde, "Are Populists Friends or Foes of Constitutionalism. op cit. Jan-Werner Müller, "Populism and Constitutionalism. op cit.; Kim Lane Scheppele, "Autocratic Legalism" 85 University of Chicago Law Review. 545 (2018). David Landau, "Populist Constitutions" University of Chicago Law Review: Vol. 85: Iss. 2, Article 3 (2018). p521

<sup>69</sup> Müller, Jan-Werner, *What Is Populism?* (University of Pennsylvania Press 2016). p68 Nadia Urbinati, *Democracy Disfigured. Op cit*

<sup>70</sup> Nadia Urbinati, *Democracy Disfigured. Op cit.* p129

<sup>71</sup> Akritas. Kaidatzis "Populist Constitutionalism as a Critique on Liberal (or Legal) Constitutionalism". Paper submitted to the Workshop 'New constitutionalism? New forms of democracy and rule of law beyond liberalism', International Institute for the Sociology of Law, Oñati 12-13.7.(2018). p2

<sup>72</sup> Müller, *What Is Populism?* Op cit. p 56-57

<sup>73</sup> David Landau. *Populist Constitutions. op cit.* P521

<sup>74</sup> *ibid.* P522

<sup>75</sup> Ernesto Laclau, *On Populist Reason* (Verso; Reprint edition 2005) p77-78



اکثریت کرسی‌های پارلمان برای تصویب قانون اساسی جدید به سرعت و بدون مشارکت مخالفان استفاده کرد. در ترکیه، رئیس‌جمهور اردوغان و حزب حاکم عدالت و توسعه در ابتدا تلاش کردند تا درباره تغییر قانون اساسی به روشی کثرت‌گرایانه مذاکره کنند که شکست خورد. او زمانی که کرسی‌های کافی دست آورد، اصلاحاتی را تحمیل کرد که ساختار حکومتی را به یک سیستم ریاستی قوی تغییر داد.<sup>۷۶</sup>

پوپولیست‌ها به جای ساختن نظم نهادی موجود، به دنبال بازسازی یا احیای مجدد آن هستند. به عنوان مثال، قانون اساسی ونزوئلا در سال ۱۹۹۹ تأکید زیادی بر مشارکت داشت و مکانیسم‌های جدیدی را ایجاد کرد، مانند فراخوانی که می‌توان آن را حتی علیه رئیس‌جمهور و کمیسیون جامعه مدنی برای انتصابات قضایی مورد استفاده قرار داد.<sup>۷۷</sup> قانون اساسی بولیوی اشکال جدیدی از مشارکت مردمی ایجاد می‌کند و مجموعه گسترده‌ای از حقوق و خودمختاری را به گروه‌های بومی اعطا می‌کند.<sup>۷۸</sup>

قوانین اساسی جدید نوشته شده یا اصلاحی پوپولیست‌ها اغلب قدرت را در قوه مجریه متمرکز کرده و مدت زمان حضور مقامات فعلی را در قدرت طولانی‌تر کرده است. قانون اساسی ونزوئلا و اکوادور هر دو قدرت ریاست جمهوری و مدت زمان خدمت را به شدت افزایش دادند. آنها نهادهای تحت کنترل مخالفان مانند دادگاه‌ها را با نهادهای بازطراحی شده جایگزین کردند که به راحتی توسط رئیس‌جمهور چاوز و کوریا کنترل می‌شد. قانون اساسی مجارستان حذف حزب پوپولیستی فیدز از قدرت را دشوارتر کرد و قدرت نهادهای کنترل کننده را به شدت کاهش داد. در ترکیه، اصلاحات قانون اساسی استقلال دادگاه قانون اساسی را تضعیف کرد و سیستم پارلمانی را به یک سیستم ریاستی با رئیس‌جمهور بسیار قوی تغییر داد و قدرت را در شخص رئیس‌جمهور اردوغان متمرکز کرد.<sup>۷۹</sup>

رهبران پوپولیست وقتی به قدرت رسیده‌اند با نهادهایی مانند دادگاه‌ها روبرو می‌شوند که هنوز تحت کنترل بازیگران مستقل یا مخالف هستند. در ترکیه، حزب حاکم در سال ۲۰۱۰ از مجموعه‌ای از اصلاحات قانون اساسی استفاده کرد. رژیم فیدز در مجارستان با قانون اساسی جدید اندازه دادگاه را گسترش داد. در ونزوئلا، قانون اساسی ۱۹۹۹ به چاوز اجازه داد تا اعضای نهادهای تحت کنترل مخالفان را خیلی سریع پاکسازی و جایگزین کند.<sup>۸۰</sup>

قوانین اساسی جدید نوشته شده در ونزوئلا، اکوادور و بولیوی در ابتدا محدودیت‌های دوره ریاست جمهوری را حفظ کردند، اما پس از مدتی، رؤسای جمهور چاوز، کوریا و مورالس همگی به دنبال تغییر قانون اساسی رفتند تا به طور نامحدود در قدرت باقی بمانند. در ونزوئلا بسته عمده اصلاحات پیشنهادی در سال ۲۰۰۷ توسط چاوز به قانون اساسی ۱۹۹۹ خودش دوره ریاست جمهوری را به هفت سال افزایش داد و محدودیت‌های دوره ریاست جمهوری را لغو کرد. قدرت‌های اضطراری را به شدت افزایش داد و استقلال باقی‌مانده قوه قضاییه را تضعیف کرد و به ظاهر قدرت بیشتری به مردم می‌بخشد.<sup>۸۱</sup> قانون اساسی ۱۹۹۹ شامل روشی نوآورانه برای انتخاب دادگاه عالی با اعطای نقش مهم به کمیسیونی بود که عمدتاً از نمایندگان جامعه مدنی تشکیل شده بود، تغییری که چاوز می‌توانست آن را به عنوان بخشی از شیوه مشارکتی جدید دولت ارائه دهد که برتر از ماهیت بسته و نخبه‌گرایی رژیم قانون اساسی قدیم است. مجلس ملی ونزوئلا از تشکیل این کمیسیون اجتناب کرد و در عوض بر روی یک اصلاح موقت قانون اساسی برای متمرکز کردن قدرت انتصابی در قوه مجریه تکیه کرد.<sup>۸۲</sup> در ترکیه اصلاحات قانون اساسی که توسط حزب حاکم در سال ۲۰۱۰ حمایت شد، اندازه دادگاه قانون اساسی را گسترش داد و به روش‌های ظریف دیگر، به دولت اجازه داد تا قوه قضاییه را جمع کند. در سال ۲۰۱۷، حزب پیروز از همه پرس‌های دیگری حمایت کرد تا ترکیه را از یک سیستم پارلمانی به یک نظام ریاستی با رئیس‌جمهور بسیار قدرتمندی که

<sup>76</sup> David Landau. *Populist Constitutions*. op cit. P 528

<sup>77</sup> Ibid. p529

<sup>78</sup> Ibid. p531

<sup>79</sup> Ibid. p532

<sup>80</sup> Ibid. p535

<sup>81</sup> Ibid. p539

<sup>82</sup> Ibid. p528

قدرت انحلال پارلمان و کنترل بر انتصابات قضایی را در اختیار داشته باشد، تغییر دهد.<sup>۸۳</sup> این همه پرسى در شرایط اضطرارى پس از کودتای ۲۰۱۶ رخ داد که در پی آن بسیاری از مخالفان به اتهام همکاری با کودتاچیان یا تروریست‌ها زندانی و از موقعیت‌های خود برکنار شدند.

## ۶- نقد دادرسی اساسی در مشروطیت پوپولیستی

پوپولیسم مخالف برتری قضایی است که در آن مفسر نهایی قانون اساسی، قوه قضائیه و دیوان عالی باشد.<sup>۸۴</sup> پوپولیست به نظارت قضایی به عنوان تفکری نخبه‌گرایانه، ضد دموکراتیک و مانعی برای سیاست‌های حیاتی حمله می‌کنند. به نظر آن‌ها قضات پیشینه‌های تحصیلی و مالی نخبه‌گرانه‌ای دارند. از نظر تاریخی، عموماً سفیدپوست و مذکر بوده‌اند. اعطای قدرت نظارت قضایی به یک قوه قضائیه مادام‌العمر، حوزه سیاست و قدرت سایر بازیگران سیاسی را کاهش می‌دهد.<sup>۸۵</sup>

نظارت قضایی مخالفان زیادی در بین حقوقدانان دارد و منحصر به پوپولیست‌ها نیست و ادبیات مهمی در این زمینه وجود دارد. مشروطه‌خواهان مردمی تلاش می‌کنند تا با ایجاد مجدد توازن قوا در نهادهای دموکراسی نمایندگی، نظارت قضایی را دموکراتیک کنند.<sup>۸۶</sup> نظریه‌های معاصر مشروطیت مردمی، مدل‌های سنتی و دادگاه‌محور نظارت قضایی را به چالش می‌کشند که ماهیت ضد اکثریتی دارد. این نظریه‌ها قدرت نظارت قضایی را از قوه قضائیه سلب می‌کنند و با از کار انداختن نهادی دیگر اصل حاکمیت اکثریت را تقویت می‌کنند. بسیاری منتظر پایان دادن به نظارت قضایی قانون اساسی هستند.<sup>۸۷</sup>

کتاب معروف لری کرامر<sup>۸۸</sup> در رد برتری قضایی است. کرامر گزارشی تاریخی از مفسران قانون اساسی، از جمله هیئت منصفه، قانونگذاران، رهبران و شرکت‌کنندگان در جنبش‌های اعتراضی و پاسخ‌دهندگان به نظرسنجی‌های عمومی ارائه می‌دهد. تاریخ نشان می‌دهد که این دادگاه نیست، بلکه خود مردم هستند که در یک دموکراسی باید منبع حل تعارضات مربوط به معنای قانون اساسی باشند. کرامر نتیجه می‌گیرد که اختیارات قضایی باید محدود شود. کرامر معتقد است مشروطیت به برتری قضایی نیاز ندارد و علیه برتری قضایی موضع می‌گیرد.<sup>۸۹</sup> او استدلال جرمی والدرون<sup>۹۰</sup> علیه نظارت قضایی در قانون و عدم توافق را اشتباه می‌خواند. کرامر پیشنهاد می‌کند که همیشه مشکلات تفسیری در رابطه با معنای قوانین اساسی وجود خواهد داشت و چون در مورد آنچه عدالت اقتضا می‌کند اختلاف نظر وجود دارد، نمی‌توان نتیجه قطعی در مورد معنای قانون اساسی داشت.

آیسگروبر نیز بین رویه‌های اکثریتی در مجالس قانون‌گذاری ملی و ایالتی و اراده مردم تمایز قائل می‌شود. او استدلال می‌کند که دادگاه ممکن است مستقیماً اراده مردم را نشان دهد. استقلال اعطا شده از طریق تصدی مادام‌العمر ممکن است به این معنا باشد که قضات توانایی سیاسی برای ایجاد مستقیم اراده مردمی را دارند، حتی اگر با مخالفت گروه‌های ذینفع مواجه شوند.<sup>۹۱</sup> به نظر تاماس گیورفی، سه شکل مختلف از نظارت ضعیف قضایی وجود دارد.<sup>۹۲</sup> نخست در صورتی که قانون اساسی فاقد منشور حقوقی باشد، نظارت قضایی

<sup>83</sup> Ibid. p540

<sup>84</sup> Akritas. Kaidatzis *Populist Constitutionalism as a Critique on Liberal (or Legal) Constitutionalism*. op cit. p3

<sup>85</sup> Richard H. Jr. Fallon. *Implementing the Constitution*. (Harvard University Press. 2001). P127-128

<sup>86</sup> Keith Werhan, "Popular Constitutionalism, Ancient and Modern". University of California, Davis. Vol. 46. (2012).P122

<sup>87</sup>, Samuel Moyn, On Human Rights and Majority Politics, vol 52 **Vanderbilt Law Review** 1135 (2021)

<sup>88</sup> Larry D Kramer. *The People Themselves. Popular Constitutionalism and Judicial Review* (New York: Oxford University Press, 2004)

<sup>89</sup>. Corey Brettschneider, "Popular Constitutionalism and the Case for Judicial Review" *Political Theory* vol34.(2006) p 516

<sup>90</sup> Jeremy Waldron, *Law and Disagreement*. (Oxford: Oxford University Press, 2001)P 344

<sup>91</sup> Christopher Eisgruber, L. *Constitutional Self-Government* (Cambridge: Harvard University Press, 2001)

<sup>92</sup> Tamas Gyorfi, **Against the New Constitutionalism** (Elgar Monographs in Constitutional and Administrative Law) (Edward Elgar Publishing 2016)

محدود می‌شود مانند استرالیا. دوم اگر دادگاه‌ها مانند نظام‌های اسکاندیناوی به نظرات قوای منتخب احترام می‌گذارند یا مثل قانون اساسی مانند سوئد و فنلاند، موظف به انجام این کار هستند، نظارت قضایی قابل احترام است. سوم مدل مشترک المنافع نظارت قضایی که در آن دادگاه‌ها مجاز به بررسی قوانین هستند، اما قانونگذار این امکان را دارد که تصمیمات قضایی را نادیده بگیرد.

به باور برخی محققین در جهانی که در آن مردم از طریق مشارکت گسترده در قانون‌گذاری عمل می‌کنند، نیازی به نظارت قضایی وجود نخواهد داشت. اما مثال‌های تاریخی خلاف این را نشان می‌دهد. آلمان وایمار، نازیسم را از طریق رویه‌های انتخاباتی تولید کرد و و آپارتاید آفریقای جنوبی از رویه‌هایی استفاده کردند که ادعا می‌شد دموکراتیک است. پتانسیل جنبش‌های مردمی و تفسیر رایج قانون اساسی برای تضعیف اصول دموکراسی نشان می‌دهد که نظارت قضایی نقش مشروعی دارد.

## ۶- مفاهیم هم‌مرز

در حقوق اساسی چند مفهوم وجود دارد که با اندیشه پوپولیسم نزدیکی زیادی دارند و از آنجا که مواضع آنها در خصوص موضوعات حقوق اساسی شبیه هم است گاه به جای هم به کار برده می‌شوند. مهم‌ترین این مفاهیم که در کنار مشروطیت پوپولیستی به کار می‌روند مشروطیت سیاسی، مشروطیت مردمی و مشروطیت جمعی است که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت.

### ۱-۶. مشروطیت سیاسی

بین مشروطیت پوپولیستی و مشروطیت سیاسی رابطه نزدیکی وجود دارد. پوپولیست‌ها تلاش می‌کنند تا با استناد به مشروطیت سیاسی که از حکومت پارلمانی و نظارت ضعیف قضایی دفاع می‌کند اقدامات خود را مشروعیت بخشند. به باور بسیاری مشروطیت سیاسی، پوپولیستی نیست.<sup>۹۳</sup> مشروطه‌خواهان سیاسی بر نقش نهادهای منتخب به جای دادگاه‌ها در اجرا و حفاظت از قانون اساسی تأکید می‌کنند، اما اصول اصلی دموکراسی مبتنی بر قانون اساسی را رد نمی‌کنند. به باور ریچارد دی پارکر محدودیت‌های قانون اساسی بر قدرت در یک دموکراسی به‌منظور مهار یا رام کردن انرژی سیاسی مردمی به جای پرورش، تقویت و رهاسازی آن است و این ارتباطی با مشروطیت پوپولیستی ندارند.<sup>۹۴</sup>

الگوی قانون اساسی حقوقی<sup>۹۵</sup> به خصوص در مورد نقش دادگاه‌های عالی و نقش نظارت قضایی توسط مشروطیت سیاسی به چالش کشیده شده است.<sup>۹۶</sup> قانون اساسی مبتنی بر مجموعه‌ای از اصول بنیادی است که توسط دادگاه‌های عالی محافظت می‌شود.<sup>۹۷</sup> دیدگاه سیاسی قانون اساسی با تأکید بر پارلمان دری برای تأثیر سیاست بر قانون می‌گشاید، زیرا بر مذاکره و جستجوی مداوم برای شرایط مورد توافق طرفین تأکید می‌کند.<sup>۹۸</sup> مشروطه‌خواهان سیاسی معتقدند حاکمیت پارلمان به طور فزاینده‌ای از نظر حقوقی یا سیاسی محدود

<sup>93</sup> Gábor Halmai "Populism, authoritarianism and constitutionalism" *op cit*. p302

<sup>94</sup> Stephen Gardbaum, *The New Commonwealth Model of Constitutionalism: Theory and Practice* (Cambridge University Press 2013) (Mark Tushnet, "Alternative Forms of Judicial Review" MICHIGAN Law Review. vol101.(2003) Jeremy Waldron, "The Core of the Case against Judicial Review" YALE Law Journal. Vol115 (2006); Janet Hiebert, "Parliamentary Bill of Rights. An Alternative Model?" MODERN Law. Review. Vol 69(2006); Alison L Young, *Parliamentary Sovereignty and the Human Rights Act* (Hart Publishing 2009); Roach, Kent, "Dialogic Judicial Review and its Critics", SUPREME COURT LAW REVIEW, vol23. 2nd series 49 (2004) Aileen Kavanaugh, "Participation and Judicial Review: A Reply to Jeremy Waldron" LAW AND PHILOSOPHY. vol 22 (2003).

<sup>95</sup> legal constitutional

<sup>96</sup> Richard. Bellamy, *Political Constitutionalism: A Republican Defence of the Constitutionality of Democracy* (Cambridge University Press 2007); Waldron, *Law and Disagreement*. *op cit*

<sup>97</sup> Marco Goldoni, "Two Internal Critiques of Political Constitutionalism" International Journal of Constitutional Law. Vol 10 (2012).

<sup>98</sup> Marco Goldoni, "Political Constitutionalism and the Question of Constitution-Making," RATIO JURIS . vol 27 (2014).p387

شده است.<sup>۹۹</sup> آنها معتقدند قوه مقننه به بهترین وجه می‌تواند دیدگاه‌ها را در جامعه نشان دهد. انتقاد اصلی مشروطیت سیاسی از مشروطیت حقوقی بر نظارت قضایی متمرکز است. به باور آنها ترتیبات قانون اساسی نباید بر یک جامعه دموکراتیک تحمیل شود، بلکه باید نتیجه تفکرات مردمی باشد که جامعه آنها باید توسط این ترتیبات اداره شود و قوه مقننه باید بتواند به نام همه و به طور قابل اعتماد عمل کند.<sup>۱۰۰</sup>

قانون اساسی سیاسی بیشتر در بریتانیا بحث شده است.<sup>۱۰۱</sup> از دهه ۱۹۸۰ حقوقدانان انگلیسی از خطر قانون اساسی حقوقی سخن گفتند<sup>۱۰۲</sup> که حاکمیت پارلمانی را به خطر انداخته است. برتری قوانین اتحادیه اروپا هم به این موضوع دامن زد. دادگاه اروپایی حقوق بشر و حقوق بشر ۱۹۹۸ به دادگاه‌های ملی این اختیار را می‌دهد که قوانین را با حقوق بشر سازگار کنند. مفصل‌ترین نقد توسط ریچارد بلامی در کتاب مشروطیت سیاسی ارائه شده است.<sup>۱۰۳</sup> او این دیدگاه رایج را به چالش می‌کشد که یک قانون اساسی مکتوب و عادلانه که شامل یک منشور حقوقی است برای محافظت در برابر سوءاستفاده از قدرت توسط دولت‌های دموکراتیک ضروری است.<sup>۱۰۴</sup> استدلال اصلی بلامی این است که حقوق از طریق مشارکت در سیاست‌های دموکراتیک و نه از طریق اجرای قضایی آنها در برابر حاکمیت خودسرانه به بهترین وجه محافظت می‌شود.<sup>۱۰۵</sup> او به ضعف نظارت قضایی برای حل اختلافات در مورد حقوق اشاره<sup>۱۰۶</sup> و استدلال می‌کند فرآیند عادی دموکراتیک مستلزم حمایت‌های قانونی بسیار مشروع و مؤثرتر از آن چیزی است که یک قانون اساسی حقوقی می‌تواند ارائه کند.<sup>۱۰۷</sup> او مخالف نظارت قضایی است.

## ۲-۶. مشروطه‌گرایی جمعی<sup>۱۰۸</sup>

نقد جامعه‌گرایانه همچون مشروطیت سیاسی، در نقد مشروطیت حقوقی است، اما تأکید کمتری بر اکثریت‌ها و رویه‌های دموکراتیک دارد و بیشتر بر مبانی تاریخی و فرهنگی نظم‌های قانون اساسی تأکید می‌کند. تأکید آنها بر ایده هویت قانون اساسی است. تنش کلیدی که دیدگاه اساسی جامعه‌گرا به آن استناد می‌کند، تنش بین عام‌گرایی و خاص‌گرایی، یا بین هنجارهای معتبر جهانی و درک‌های اخلاقی محلی است. اگر مشروطیت حقوقی بر قانون اساسی مبتنی بر حقوق دادگاه محور تأکید دارد، پروژه‌های ملی پوپولیستی درک مشروطیت را به‌عنوان وسیله‌ای برای حفاظت از یک جامعه متمایز، اخلاق و سنت‌های آن تأیید می‌کنند. دیدگاه جامعه‌گرایانه، جامعه را در شکل‌گیری فرد بسیار مهم می‌داند. در این دیدگاه، دادگاه‌ها نقش ثانویه و نه متوازن کننده را ایفا می‌کنند.<sup>۱۰۹</sup> مفهوم جامعه‌گرایانه مشروطیت مبتنی بر اخلاق هویتی است و به جای اولویت دادن به حقوق فردی بر حفظ حاکمیت سیاسی تأکید می‌کند که توسط یک گروه ملی خاص تجسم یافته است.<sup>۱۱۰</sup> اخلاق اساسی جامعه‌گرایی بر این است که مردم چه چیزهایی مشترک دارند یا چه چیزی آنها

<sup>99</sup> Carlo Fusaro & Dawn Oliver, 'Towards a Theory of Constitutional Change', in *How Constitutions Change: A Comparative Study*, Dawn Oliver & Carlo Fusaro eds. (Hart Publishing 2011) P40

<sup>100</sup> Waldron, "Constitutionalism—A Skeptical View". vol 23 (2010), <http://scholarship.law.georgetown.edu/hartlecture/4> at 11

<sup>101</sup> J.A.G. Griffith, "The political Constitution," *Modern Law Review*. vol42 (1979), 1-21. Graham Gee, "The political constitutionalism of JAG Griffith," *Legal Studies* vol28 (2008), 20-45.

<sup>102</sup> Christopher Thornhill, *A Tale of Two Constitutions. Whose Legitimacy? Whose Crisis? in Brexit: Sociological Responses (Key Issues in Modern Sociology)* (William Outhwaite ed. 2017). Anthem Press

<sup>103</sup> bellamy, *Political Constitutionalism*. op cit

<sup>104</sup> Ibid. p vii.

<sup>105</sup> Ibid. p 1.

<sup>106</sup> Bellamy, *Political Constitutionalism*, op cit. p 16

<sup>107</sup> Akritas Kaidatzi. "Populist / popular / political constitutionalism". Op cit. p20.

<sup>108</sup> Communitarian constitutionalism

<sup>109</sup> Paul Blokker "Varieties of populist constitutionalism". Op. cit. p339

<sup>110</sup> Robert Hayden, *Constitutional Nationalism in the Formerly Yugoslav Republics*, *SLAVIC REV.* vol 51 (1992).p 655-656

را متحد می‌کند یا باید متحد کند.<sup>۱۱۱</sup> مرکز ثقل، جامعه است و نقش دولت قبل از هر چیز تسهیل، هماهنگی و حفاظت از دیدگاه جامعه و اشتراک پایدار آن است.<sup>۱۱۲</sup>

### ۳-۶. مشروطیت مردمی

مشروطیت مردمی پیوند نزدیکی با مشروطیت پوپولیستی دارد. اصطلاح «پوپولیستی» مفهومی تحقیرآمیز پیدا کرده است.<sup>۱۱۳</sup> همین باعث شد در دهه ۲۰۰۰، محققان حقوقی آمریکا مانند به جای مشروطیت پوپولیستی از مشروطیت مردمی استفاده کنند.<sup>۱۱۴</sup> کتاب لری کرامر درباره مشروطیت مردمی و نظارت قضایی نقطه عطف اصلی در این تغییر بوده است. از آن زمان، مشروطیت مردمی به جای پوپولیستی رواج یافت. حتی مارک تاشنت که پیشتر از قانون اساسی پوپولیستی سخن می‌گفت به مشروطیت مردمی روی آورد.<sup>۱۱۵</sup> مشروطیت مردمی عبارت است از ارائه استدلال‌های قانون اساسی توسط خود مردم و گاه در تضاد پذیرفته شده با تفاسیر قانون اساسی ارائه شده و اجرا شده توسط دادگاه‌ها<sup>۱۱۶</sup> که بی‌شبهت به قانون اساسی پوپولیستی نیست.

کرامر توضیح می‌دهد که مشروطیت مردمی تنها ایده برتری قضایی را رد می‌کند و مخالف نظارت قضایی نیست<sup>۱۱۷</sup> و از «نظارت قضایی بدون برتری قضایی»<sup>۱۱۸</sup> یاد می‌کند. به نظر کرامر مشروطیت آمریکایی به شهروندان عادی نقشی محوری در اجرای قانون اساسی داده است. او حوادث تاریخی متعددی را برای حمایت از این ادعا ارائه می‌دهد. به نظر کرامر مردم قانون اساسی را از طریق سیاست و در درون نظام سیاسی اجرا می‌کنند.<sup>۱۱۹</sup> کرامر معتقد است مشروطیت مردمی در دوران تأسیس و در بیشتر تاریخ آمریکا درک عمومی غالب بوده است.

منظور او از مشروطیت مردمی سیستمی است که در آن مردم کنترل فعال و مستمر بر تفسیر و اجرای قانون اساسی را به عهده می‌گیرند.<sup>۱۲۰</sup> کرامر دشمن مشروطیت مردمی را برتری قضایی معرفی می‌کند، یعنی این تصور که قضات در تفسیر قانون اساسی حرف آخر را می‌زنند و تصمیمات آن‌ها معنای قانون اساسی را برای همه تعیین می‌کند.<sup>۱۲۱</sup> کرامر اصرار دارد که ما با انتخابی بین مشروطیت مردمی و برتری قضایی روبرو هستیم.<sup>۱۲۲</sup> مشروطیت مردمی در بیشتر تاریخ آمریکا غالب بوده است، اما از دهه ۱۹۸۰ برتری قضایی به یک هنجار تبدیل شده است<sup>۱۲۳</sup> که هم توسط چپ‌ها و هم راست‌ها پذیرفته شده است.<sup>۱۲۴</sup>

مفهوم برتری قضایی به این معنا نیست که دادگاه‌ها برای تعیین باورهای شهروندان در مورد قانون اساسی اختیار دارند. برتری قضایی به دادگاه‌ها اجازه نمی‌دهد تا شهروندان را از تلاش برای اعطای اختیارات قانونی به باورهای قانونی خود بازدارند.<sup>۱۲۵</sup> کرامر انتخابات را به عنوان لحظه‌های بحرانی برای بیان حاکمیت فعال و مداوم مردم تصور می‌کند. انتخابات به کنگره و رئیس جمهور اجازه می‌دهد تا

<sup>111</sup> Winfried Brugger, *Communitarianism as the Social and Legal Theory Behind the German Constitution*, International Journal of Constitutional Law, Volume 2, Issue 3. (2003).p 431, 433

<sup>112</sup> Paul Blokker "Varieties of populist constitutionalism." *Op. cit.* p340

<sup>113</sup> See Yannis Stavrakakis, "How did 'populism' become a pejorative concept? And why is this important today? A genealogy of double hermeneutics," POPULISMUS Working Papers No. 6, Thessaloniki, (2017) available at: <http://www.populismus.gr/wpcontent/uploads/2017/04/stavrakakis-populismus-wp-6-upload.pdf>

<sup>114</sup> Larry D Kramer. *The People Themselves*. op cit. Larry D. Kramer, "The Supreme Court 2000 Term Forward: We the Court," *Harvard Law Review* . vol 115 (2001), 4-169.

<sup>115</sup> Mark Tushnet. "Popular constitutionalism as political law" *Chicago-Kent Law Review*. vol81.(2006)p991-1006

<sup>116</sup> *Ibid.* p. 991

<sup>117</sup> Larry D. Kramer, "Undercover Anti-populism," *Fordham Law Review*. Vol 73 (2005), 1343-1359, at 1357

<sup>118</sup> Larry D Kramer. *The People Themselves*. op cit. p249-253

<sup>119</sup> *Ibid.* p 7

<sup>120</sup> Larry D. Kramer, *Popular Constitutionalism*, California law review. Vol 92 (2004).

<sup>121</sup> Robert post & Reva Siegelt, "Popular Constitutionalism, Departmentalism, and Judicial Supremacy" CALIFORNIA LA W REVIEW. Vol 92.(2004). P1027

<sup>122</sup> Larry D. Kramer "Popular Constitutionalism" California law review. Vol92 (2004)p 1011

<sup>123</sup> *Ibid.* p 964

<sup>124</sup> *Ibid.* p 1008

<sup>125</sup> Robert post & Reva Siegelt, *Popular Constitutionalism*, op cit. p 1030

برای مردم صحبت کنند. طبق این دیدگاه هر یک از سه قوه دولت فدرال دارای اختیارات مستقل و هماهنگ برای تفسیر قانون اساسی هستند.<sup>۱۲۶</sup> برای کرامر، تنش بین حق‌های اساسی و مشروطیت مردمی در مرزی انجام می‌شود که قانون اساسی به عنوان قانون سخت و قابل اعتماد را از قانون اساسی به عنوان مخزن بنیادی ما مردم-که مقدس و مستلزم احترام است-جدا می‌کند. کرامر این مرز را بین قانون اساسی به عنوان نوعی قانون که معمولاً از طریق دادخواهی و تفسیر قضایی اداره و به عنوان قانون عادی درک می‌شود، و قانون اساسی به عنوان شکلی از قضاوت سیاسی-حقوقی که شبیه قوانین عادی نیست فهم می‌کند.

به باور او بازیگران غیرقضایی، برخلاف دادگاه‌ها، ملزم به عمل فقط طبق قانون نیستند. اگر در شرایط خاص ارزش‌های قانون اساسی در خطر باشد، جان‌ها یا بقای ملت در خطر باشد، این اختیار را دارند که برخلاف قانون عمل کنند، مثلاً با امتناع از اجرای احکام قضایی. تعریف قانون اساسی به گونه‌ای که بازیگران غیرقضایی را مجبور می‌کند بین اطاعت از قانون اساسی و انجام آنچه تعهدات قانونی خود می‌دانند، یکی را انتخاب کنند، اشتباهی اساسی است.<sup>۱۲۷</sup>

به نظر کرامر با گسترش و بوروکراتیزه شدن دادگاه‌های فدرال و با فراگیر شدن قانون اساسی، مشارکت مردم آمریکا در شکل‌گیری قانون اساسی به همان نسبت تشدید و کاهش یافته است. کرامر نگران راه‌هایی است که قانون اساسی می‌تواند قانون اساسی را تهدید کند.<sup>۱۲۸</sup> او معتقد است با نگاه به تاریخ متوجه می‌شویم مردم از طریق بسیج خود در سیاست، قانون اساسی را به عنوان قانون سیاسی اجرا می‌کنند. البته همه بسیج‌های مردمی اجرای قانون اساسی نیستند و کرامر معیارهایی را برای تمایز بین آنهایی که هستند و نیستند ایجاد نمی‌کند.

نظریه کرامر انتقادهای زیادی را برانگیخت، اما هواداران بسیاری را نیز به خود جلب کرد.<sup>۱۲۹</sup> حتی صحبت از جنبش مشروطه‌طلبی مردمی<sup>۱۳۰</sup> شد. تفاوت‌های اساسی بین رویکردهای متنوع رشته‌های مختلف مشروطیت مردمی وجود دارد<sup>۱۳۱</sup> تا شنت از اولین کسانی بود که اصطلاح پیشنهادی کرامر را تأیید کرد و اذعان داشت که این اصطلاح مناسب‌تر از واژه اوست. مشروطیت کرامر محدودتر یا معتدل‌تر و گسترده‌تر یا رادیکال‌تر از مشروطیت پوپولیستی تا شنت است. برخلاف تا شنت، کرامر مراقب است که این تصور را ایجاد نکند که نظارت قضایی را زیر سوال می‌برد.<sup>۱۳۲</sup>

#### ۴-۶. نظریه تا شنت

دهه ۱۹۸۰ اتفاقات مهمی در حقوق اساسی آمریکا افتاد و اعتراض به دکترین برتری قضایی که دادگاه‌ها و دیوان عالی کشور مفسر نهایی قانون اساسی هستند بالا گرفت. برخی از منتقدان به عنصر نخبه‌گرایی در قانون اساسی ساخته قضات و عایق بودن آن از باورها و آرمان‌های مردم عادی اشاره کردند. در دهه ۱۹۹۰، ریچارد پارکر این نکته را در مقاله‌ای طولانی با عنوان یک مانیفست پوپولیستی قانون اساسی<sup>۱۳۳</sup> بیان کرد. هسته استدلال او این است که قانون اساسی باید به ترویج حاکمیت اکثریت اختصاص داده شود تا آن را

<sup>126</sup> *ibid.* p1031

<sup>127</sup> *Ibid.* p1039

<sup>128</sup> *Ibid.* p 1043

<sup>129</sup> Larry Alexander. Lawrence B. Solum Solum, *Popular? Constitutionalism?* (Harvard Law Review vol 118.(2005)

<sup>130</sup> So, e.g. Jonathan R. Siegel, "The Institutional Case for Judicial Review," Iowa Law Review. 97 (2012), 1147-1199, at 1149, 1151

<sup>131</sup> Larry Alexander. Lawrence B. Solum Solum, "Popular? Constitutionalism. *Op cit.* p 1619-1626, David E. Pozen, "Judicial Elections as Popular Constitutionalism," Columbia Law Review. vol 110 (2010)p2053-2064; TOM Donelly, "Making Popular Constitutionalism Work". Wisconsin Law Review, Vol.(2012) Harvard Public Law Working Paper No. 11-29); Helen J. Knowles & Julianne A. Toia, "Defining 'Popular Constitutionalism': The Kramer versus Kramer Problem," Southern University Law Review. vol 42 (2014), 31-51

<sup>132</sup> Akritas Kaidatzi. Populist / popular / political constitutionalism. *Op cit.* p16

<sup>133</sup> Richard D. Parker, "'Here, the people rule': A constitutional populist manifesto," Valparaiso University Law Review. vol 27 (1993)p 531-584.

محدود کند.<sup>۱۳۴</sup> جک بالکین در مقاله‌ای به بررسی رابطه نظریه قانون اساسی با نگرش‌های مردمی و فرهنگ عامه پرداخت.<sup>۱۳۵</sup> بالکین دو موضع متضاد در مورد رابطه نظریه قانون اساسی با نگرش‌های مردمی و فرهنگ عامه را در تضاد قرار می‌دهد که پوپولیستی و ترقی‌گرا<sup>۱۳۶</sup> می‌نامد. مفصل‌ترین شرح کتابی است از مارک تاشنت، درباره آنچه نویسنده آن را قانون اساسی پوپولیستی می‌نامد.<sup>۱۳۷</sup>

تاشنت پروژه قانون اساسی پوپولیستی را به عنوان جایگزینی برای نظریه برتری قضایی پیش می‌برد. به نظر او در امریکا بر نقش دادگاه‌ها در اجرای قانون اساسی تأکید بیش از حدی شده و نقشی که شاخه‌های سیاسی و به ویژه کنگره می‌توانند ایفا کنند دست کم گرفته شده است. تاشنت می‌گوید نظریه قانون اساسی اگر بخواهد گزارش دقیقی از رویه قانون اساسی ارائه کند، باید نحوه برخورد مردم با قانون اساسی را به دور از دادگاه‌ها درک کند.<sup>۱۳۸</sup> نحوه برخورد مردم با قانون اساسی در مرکز نظریه پوپولیستی قانون اساسی است. تاشنت می‌نویسد قانون اساسی پوپولیستی بر این ایده استوار است که همه ما باید از طریق اقدامات خود در سیاست در ایجاد قانون اساسی مشارکت داشته باشیم.<sup>۱۳۹</sup> از این رو، مسئولیت قانون اساسی را در سراسر جمعیت توزیع می‌کند.<sup>۱۴۰</sup> این رویکرد، قانون اساسی را نه به عنوان چیزی در دست حقوقدانان بلکه در دست خود مردم تلقی می‌کند.<sup>۱۴۱</sup> تاشنت در مورد چگونگی مشارکت مردم در تفسیر قانون اساسی تمایزی بین قانون اساسی ضخیم و نازک<sup>۱۴۲</sup> مطرح می‌کند<sup>۱۴۳</sup> قانون اساسی ضخیم شامل مقررات مفصلی است که نحوه سازماندهی دولت را توصیف می‌کند، ولی قانون اساسی نازک به تضمین اساسی آن در برابری و آزادی اشاره می‌کند.<sup>۱۴۴</sup> تاشنت ادعا می‌کند که اختلافات بر سر معنای قانون اساسی نازک به بهترین وجه توسط مردم و در مکان‌های عادی برای بحث سیاسی انجام می‌شود.<sup>۱۴۵</sup> هیچ دلیل قانع کننده‌ای وجود ندارد که چرا باید تفسیر دادگاه‌ها از قانون اساسی نازک را بر تفسیر مردم یا نمایندگان آن‌ها ترجیح داد.<sup>۱۴۶</sup> به نظر او اندیشیدن به قانون اساسی و حق‌های اساسی بدون دادگاه و نظارت قضایی، ما را قادر می‌سازد نقش فعالی در استقرار حقوق اساسی خود بدون اتکا به دادگاه‌ها داشته باشیم.<sup>۱۴۷</sup> بنابراین، قانون اساسی پوپولیستی، قانون اساسی را به مردم باز می‌گرداند که از طریق سیاست عمل می‌کند.<sup>۱۴۸</sup> کتاب تاشنت علیه برتری قضایی است نه علیه نظارت قضایی.

چنانکه در بالا اشاره شد تاشنت بعد از چاپ کتاب کرامر به این نتیجه رسید که اصطلاح مشروعیت مردمی برای نظریه او از مشروعیت پوپولیستی مناسب‌تر است. تاشنت در مقاله‌ای از مشروعیت مردمی به عنوان قانون سیاسی<sup>۱۴۹</sup> یاد می‌کند.<sup>۱۵۰</sup> قانون اساسی گاهی تصمیم‌گیرندگان را وادار می‌کند تصمیماتی اتخاذ کنند که با ترجیحات آن‌ها ناسازگار است. او با کرامر موافق است که در تاریخ ایالات متحده می‌توانیم گونه‌ای از مشروطه‌طلبی مردمی را بیابیم.<sup>۱۵۱</sup> اینکه حقوق اساسی تا حد زیادی سیاسی است، بحث‌برانگیز است و اینکه حقوق اساسی را فقط سیاست دانست و سیاست را بیان ترجیحات غیرقابل تحلیل با ایراد مواجه است.<sup>۱۵۲</sup> این واقعیت که حقوق اساسی

<sup>134</sup> Ibid. p 532

<sup>135</sup> Jack M. Balkin, "Populism and Progressivism as Constitutional Categories," Yale Law Journal. Vol 104 (1995)p 1943

<sup>136</sup> progressiv

<sup>137</sup> Mark Tushnet, *Taking the Constitution Away from the Courts*, (Princeton, NJ: Princeton University Press, 1999)

<sup>138</sup> Mark Tushnet, *Taking the Constitution Away from the Courts*. op cit. p x

<sup>139</sup> Ibid. p 157.

<sup>140</sup> Ibid. p 174

<sup>141</sup> Ibid. p 182.

<sup>142</sup> thick and the thin Constitution

<sup>143</sup> Ibid. p 9-14

<sup>144</sup> Akritas Kaidatzi. "Populist / popular / political constitutionalism". Op cit. p7.

<sup>145</sup> Ibid. p 14

<sup>146</sup> ibid. p8.

<sup>147</sup> Mark Tushnet, *Taking the Constitution Away from the Courts*. op cit. p 174

<sup>148</sup> ibid p 186.

<sup>149</sup> political law

<sup>150</sup> Mark Tushnet. "Popular constitutionalism as political law". op cit. p 991.

<sup>151</sup> Ibid p991

<sup>152</sup> Ibid. p992

به عنوان قانون سیاسی می‌تواند از طریق تعامل میان قوای حکومتی اجرا شود، به مبهم بودن ذاتی مقوله مشروطیت مردمی کمک می‌کند.<sup>۱۵۳</sup>

## نتیجه‌گیری

مشروطیت پوپولیستی یا قانون اساسی گرایی پوپولیستی از مفاهیم نوظهور در عرصه حقوق اساسی است و در دو دهه اخیر در مورد آن در تحقیقات حقوق اساسی ادبیاتی شکل گرفته است. پوپولیسم محصول دموکراسی و واکنشی به آن است. به عبارت دیگر پوپولیسم از یک طرف دموکراسی و قواعد بازی دموکراتیک و سازوکارهای مندرج در قانون اساسی برای تحدید قدرت را انکار می‌کند و مورد انتقاد قرار می‌دهد و از طرفی دیگر مدعی اجرای کامل و واقعی حکومت مردم است. قلب پوپولیسم مفهوم مردم است و پوپولیست‌ها مدعی حکومت مردم هستند، از این رو با مفاهیمی مانند نمایندگی، رای اکثریت و دادرسی اساسی به شدت مخالفت می‌کنند. پوپولیست‌ها قواعد بازی دموکراتیک را تا زمانی قبول دارند که بر سریر قدرت نشسته‌اند و به محض پیروزی در انتخابات و به دست گرفتن قدرت به انتقاد از سیستم پرداخته و شروع به نقض قواعد می‌کنند. برای انجام اهداف خود نخست به سراغ اصلاح قانون می‌روند و با تغییراتی مانند دائمی کردن ریاست جمهوری سعی در تثبیت قدرت خود می‌کنند. آنها نهادهایی مانند انتخابات و دادرسی اساسی را منحل نمی‌کنند، اما با تغییر قوانین انتخابات و تغییر ترکیب قضات این نهادها را از درون تهی و بی محتوا می‌کنند.

چنانکه در این مقاله دیدیم مفاهیمی مانند مشروطیت سیاسی و مشروطیت مردمی و نیز فهم و برداشت تاشنت از مشروطیت پوپولیستی نسبت نزدیکی با پوپولیسم دارند. دو نکته در خصوص این مفاهیم وجود دارد. نخست اینکه پوپولیست‌ها برای موجه جلوه دادن خود از این مفاهیم استفاده کرده و مدعی هستند که همگی در یک راستا و هدف حرکت می‌کنند. این در حالی است که مفاهیمی مانند مشروطیت مردمی و سیاسی منکر دموکراسی نیستند و قواعد بازی دموکراتیک و مسائل و مفاهیم حقوق اساسی را باور دارند و هرگز در پی نفی آنها نیستند و از این حیث متمایز از پوپولیست‌ها هستند. نکته دوم این است که طرفداران این مفاهیم بیشترین تمرکز خود را معطوف به نقد دادرسی اساسی و نظارت قضایی کرده‌اند و به دنبال آن هستند که هم به واقعیات سیاست و ارتباط حقوق و سیاست بیشتر پرداخته شود و هم نقش مردم را در پررنگ‌تر کنند.

کرامر، تاشنت و بلامی دارای نقاط مشترکی هستند و همه آن‌ها منتقد دکتترین برتری قضایی یا مشروطیت حقوقی، قانون‌گرایی لیبرال<sup>۱۵۴</sup> یا مشروطیت لیبرال یا به گفته مارک تاشنت مشروطیت قضایی<sup>۱۵۵</sup> هستند.<sup>۱۵۶</sup> اگرچه سه کتاب مهم مارک تاشنت، لری کرامر و ریچارد بلامی در توضیح مشروطه‌خواهی پوپولیستی، مردمی و سیاسی ناموفق بوده‌اند و نتوانستند گفتمان مسلط قانون اساسی را تغییر دهند و مشروطیت حقوقی یا قضایی یا لیبرالی زنده است و دادگاه‌های قانون اساسی یا عالی در سراسر جهان، قدرتمندتر از هر زمان دیگری در تاریخ مشروطیت هستند؛ اما حقیقت آن است که آن‌ها نسبت به نقض‌ها و کاستی‌های موجود در مدل غالب مشروطیت لیبرال آگاهی یافته‌اند و این نکته را به ما یادآوری کرده‌اند که قانون اساسی مورد قضاوت در دادگاه‌ها تا حدی محصول سیاست است و این خود بخشی از قانون اساسی کارآمد است.<sup>۱۵۷</sup> هم مشروطه‌خواهان مردمی و هم مشروطه‌خواهان سیاسی به ما کمک می‌کنند تا بفهمیم در حوزه‌های قدرت سیاسی چه اتفاقی می‌افتد که از دسترس دادگاه‌ها دور است و این با پوپولیسم متفاوت است.

این مقاله را می‌توان همچون درآمدی برای طرح این بحث در ایران دانست. در ایران گاه در مورد عملکرد برخی دولت‌ها آنها را متهم به پوپولیسم می‌کنند. نقدهایی زیادی از سوی برخی از اصحاب سیاست به دموکراسی وارد می‌شود. از طرف دیگر نهادهای سیاسی و

<sup>153</sup> *Ibid.* p996

<sup>154</sup> liberal legalism

<sup>155</sup> judicial constitutionalism.

<sup>156</sup> Tushnet, "Constitutional Law: Critical and Comparative". Harvard Public Law Working Paper No. 15-09, (2015)p 8; Tushnet "The Relation between Political Constitutionalism and Weak-Form Judicial Review" Journals German Law Journal Volume. 14 Issue 12, (2013), p 2250

<sup>157</sup> Akritas Kaidatzi. "Populist / popular / political constitutionalism". *Op cit.* p3



رسمی به دفاع از دادرسی اساسی و نظارت شورای نگهبان بر قوانین و منتقدان به نقد این نهاد و عملکرد آن می‌پردازند. حقیقت آن است که در فقدان حضور جدی حقوقدانان در این بحث‌ها، هم سطح مباحث هرگز عمیق نشده و هم اینکه دستاوردی برای دانش حقوق نداشته است. این مقاله کوششی بود برای باز کردن این مباحث نظری در فضای آکادمیک ایران تا شاید بتوان این بحث را مطرح کرد که می‌توان عملکرد دولتی را پوپولیستی خواند یا ایرادات وارده بر شورای نگهبان را از منظر حقوق اساسی وارد دانست؟ راقم این سطور بر این باور است تا مبانی نظری موضوعی مشخص نشود نمی‌توان در مورد امکان اجرا و اعمال آن در ایران بحث نمود و رویکرد نظری می‌تواند همچون مقدمه‌ای برای ورود مباحثی از این دست در ایران باشد. اشاره به کشورهای متعددی مانند ونزوئلا، ترکیه، اروپای شرقی، آلمان، فرانسه، اسپانیا و... از این روی بود که هم مطالعه‌ای تطبیقی در مورد آنها انجام شود و هم خواننده فارسی زبان را به سمت تامل در مورد ایران وا دارد. همچنین رابطه دموکراسی و پوپولیسم و مباحثی مانند انتقاد بر دادرسی اساسی و مفاهیمی مانند مشروطیت سیاسی و مشروطیت مردمی می‌تواند برای مباحث حقوق اساسی ایران و تحلیل عمیق‌تر بسیار راهگشا باشد.

## فهرست منابع

تاگارت، پل (۱۳۸۱) پوپولیسم، ترجمه حسن مرتضی، تهران: انتشارات آشیان  
 موفه، شانتال (۱۳۹۹) در دفاع از پوپولیسم چپ، ترجمه بهزاد نیاز آذری، تهران: انتشارات قصیده سرا  
 مولر، یان ورنر (۱۳۹۶) پوپولیسم چیست، ترجمه بابک واحدی، تهران: انتشارات بیدگل

## A:Book

bellamy, Richard.(2007)*Political Constitutionalism: A Republican Defence of the Constitutionality of Democracy*. Cambridge University Press  
 Blokker. Paul,(2018)“Populist Constitutionalism”, in *Routledge Handbook of Global Populism* (Carlos de la Torre ed. Routledge university pres  
 Blokker.Paul,(2013)*New Democracies in Crisis? A Comparative Constitutional Study of the Czech Republic, Hungary, Poland, Romania and Slovakia*. Routledge university pres.  
 Canovan, Margaret,(2002)“Taking politics to the people: Populism as the ideology of democracy”, in *Democracies and the Populist Challenge*. Yves Mény, Yves Surel eds. Palgrave Macmillan  
 Canovan, M. ‘Taking politics to the people: Populism as the ideology of democracy’, in Yves Mény, Yves Surel (eds),(1998).*Democracies and the populist challenge*, Palgrave press  
 Eisgruber, Christopher L.(2001)*Constitutional Self-Government* . Cambridge: Harvard University Press  
 Espejo. Pierre Ostiguy (ed.)(2018)*The Oxford Handbook of Populism*.oxford university press  
 Fallon. Richard H. Jr.(2001)*Implementing the Constitution*. Harvard University Press.  
 Fusaro, Carlo & Dawn Oliver,(2011)Towards a Theory of Constitutional Change’, in *How Constitutions Change: A Comparative Study* (Dawn Oliver & Carlo Fusaro eds. Hart Publishing  
 Fraenkel.Ernst.E a Shils (Translator), Edith Lowenstein,(2010)*The Dual State: A Contribution to the Theory of Dictatorship* ( Lawbook Exchange, Ltd.; Lawbook Exchang ed. edition  
 Gardbaum,Stephen,(2013)*The New Commonwealth Model of Constitutionalism: Theory and Practice* .Cambridge University Press.  
 Gyorfi ,Tamas,(2016)*Against the New Constitutionalism* (Elgar Monographs in Constitutional and Administrative Law) . Edward Elgar Publishing  
 Kahn, Paul(2011),*Political theology: four new chapters on the concept of sovereignty*. Columbia University Press  
 Kaidatzis. Akritas,Eleni Kalampakou , Ifigeneia Kamtsidou. *The People’s Constitution: The Populist Transformation of Constitutional Law?* (Springer2024)  
 Klug. Heinz,(2000)*Constituting Democracy: Law, Globalism and South Africa's Political Reconstruction* . Cambridge University Press

Kramer, Larry D.(2004)*The People Themselves. Popular Constitutionalism and Judicial Review* .New York: Oxford University Press

la Torre . Carlos de,(2010) *Populist Seduction in Latin America* . Ohio University Press

Laclau. Ernesto,(2005)*On Populist Reason*. Verso; Reprint edition.

Lefort. Claude,(1986)*The Political Forms of Modern Society Bureaucracy, Democracy, Totalitarianism*. The MIT Press

Mudde. Cas, Cristóbal Rovira Kaltwasser,(2017)*Populism: A Very Short Introduction*.Oxford University Press

Müller, Jan-Werner (2016), *What Is Populism?* University of Pennsylvania Press.

Müller, Jan-Werner,(2018)“Populism and Constitutionalism”, in: Cristóbal Rovira Kaltwasser.Paul Taggart, Paulina Ochoa Espejo. Pierre Ostiguy (ed.) *The Oxford Handbook of Populism*.oxford university press

Papastylanos ,Christos.(2024) Populism and Constitution Making Process. In *European Union and Its Neighbours in a Globalized World*. Springer Nature. . P 29-49

Sajó, András, Renáta Uitz.(2017)*The Constitution of Freedom: An Introduction to Legal Constitutionalism*. Oxford University Press

Schmitt, Carl.(2008)**Constitutional Theory**. Translated by Jeffrey Seitzer. Duke University Press 2008

Taggart, Paulina Ochoa Espejo. Pierre Ostiguy (ed.)*The Oxford Handbook of Populism*.oxford university press

Stambulski .Michał.(2024) “Constitutional Populism beyond the Liberal Framework. Adam Czarnota's Program for Sociology of Constitutions”. In: *The Law is for the Citizens, so it Should Serve Them*, ed. W. Zomerski, F. Cyuńczyk, P. Eckhardt, M. Paździora, Scholar.

Thornhill,Christopher,(2017)“A Tale of Two Constitutions. Whose Legitimacy? Whose Crisis? in *Brexit: Sociological Responses (Key Issues in Modern Sociology)* .William Outhwaite ed.. Anthem Press

Tushnet,Mark.(1999)*Taking the Constitution Away from the Courts*, Princeton, NJ: Princeton University Press

Tushnet,Mark,(2018)“Comparing Right-Wing and Left-Wing Populism”, *Constitutional Democracy in Crisis?* .Mark A.Graber, Sanford Levinson & Mark Tushnet eds. Oxford University Press

Urbinati.Nadia,(2014)*Democracy Disfigured: Opinion, Truth, and the People*.Harvard University Press.

Waldron. Jeremy(1999)*Law and Disagreement*.Oxford: Clarendon Press

Urbinati.Nadia,(2018)“Populism and the Principle of Majority”, in Cristóbal Rovira Kaltwasser.Paul Taggart, Paulina Ochoa Espejo. Pierre Ostiguy (ed.) *The Oxford Handbook of Populism*.oxford university press

Young, Alison L,(2009)*Parliamentary Sovereignty and the Human Rights Act*. Hart Publishing

## **B:Article**

Alexander, Larry(2005) Lawrence B. Solum Solum, “Popular? Constitutionalism?” *Harvard Law Review*. vol 118.. 991-1006

Antal, A(2017)‘The Political Theories, Preconditions and Dangers of the Governing Populism in Hungary’. *Politologický časopis-Czech Journal of Political Science*,vol 24. no1.

Balkin, Jack M.(1995) “Populism and Progressivism as Constitutional Categories,” *Yale Law Journal*. vol 104 . 5-20

Berlin, Isaiah, "To Define Populism", (1968)in The Isaiah Berlin Virtual Library.Available: <http://berlin.wolf.ox.ac.uk/lists/bibliography/bib111bLSE.pdf> . 1-15

Blokker. Paul.(2019)“Varieties of populist constitutionalism: The transnational dimension”. *German Law Journal* vol20.issue3.332-350

Blokker. Paul.(2019)“Populism as a Constitutional Project”. Paper presented at the workshop ‘Public law and New Populism’, NYU School of Law. 296 - 313

Blokker.Paul,(2005)“Populist nationalism, anti-Europeanism, post nationalism, and the East-West distinction” *German Law Journal*, vol6. issue2. 371 - 389

Blokker,Paul.(2019)“Populism as a Constitutional Project”. *International Journal of Constitutional Law*, Volume 17, Issue 2. 536–553

Brettschneider, Corey.(2006)“Popular Constitutionalism and the Case for Judicial Review”. *Political Theory*. vol34. 516-521

Brubaker,Rogers,(2017)“Why populism?” *Theory and Society* Vol. 46, No. 5. 357-385

Brugger,Winfried,(2003)“Communitarianism as the Social and Legal Theory Behind the German Constitution” *International Journal of Constitutional Law*, Volume 2, Issue 3. 431–460

Chambers.Simone,(1998) “Contract or Conversation? Theoretical Lessons from the Canadian Constitutional Crisis”,*Politics & Society*. vol 26. 143-172

Couso, J. (2012), “Law, rights and social change in Latin America: Competing models of constitutionalism in an era of uncertainty”, available at: [http://www.derecho.uba.ar/academica/posgrados/2012\\_javier-couso.pdf](http://www.derecho.uba.ar/academica/posgrados/2012_javier-couso.pdf).

Donelly, Tom,(2012)“Making Popular Constitutionalism Work”.*Wisconsin Law Review*. Harvard Public Law Working Paper. 160-193

Gee,Graham(2008)"The political constitutionalism of JAG Griffith," *Legal Studies*. vol28. 20-45

Goldoni,Marco,(2014)“Political Constitutionalism and the Question of Constitution-Making,” *RATIO JURIS*. vol27. 387-408

Goldoni,Marco,(2012)“Two Internal Critiques of Political Constitutionalism”, *International Journal of Constitutional Law*. vol 10. 926–949,

Griffith,J.A.G.(1979)“The political Constitution,” *Modern Law Review*. Volume42, Issue1. 1-21

Halmai, Gábor,(2018)“Is There Such Thing as ‘Populist Constitutionalism? The Case of Hungary’”, *Fudan journal of the humanities and social sciences*, Vol. 11, No. 3. 323-339

Halmai. Gábor,(2018)“The Abuse of Constitutional Identity. The Hungarian Constitutional Court on the Interpretation of Article E) (2) of the Fundamental Law”, *Review of Central and East European law*, Vol. 43, No. 1. 23-42

Halmai, Gabor,(2018)“Is there Such Thing as ‘Populist Constitutionalism’? The Case of Hungary”, *Fudan Journal of the Humanities and Social Sciences*. Vol. 11, No. 3. 323-339

Halmai. Gábor.(2019)"Populism, authoritarianism and constitutionalism". *German Law Journal* vol20. 296 - 313

Hayden. Robert,(1992)"Constitutional Nationalism in the Formerly Yugoslav Republics", *SLAVIC Review*. vol51. 654-673

Hiebert, Janet,(2006)Parliamentary Bill of Rights. An Alternative Model?“, *Modern Law. Review*. Vol69. 7-28

Howse. Robert,(2017)“Populism and Its Enemies”, *Workshop on Public Law and the New Populism*, Jean Monnet Center, NYU Law School, Sept. 296-313

Kaidatzi. Akritas.(2019)“Populist / popular / political constitutionalism”. *IVR World Congress, Dignity, Democracy, Diversity, The 29th World Congress of the International Association for the Philosophy of Law and Social Philosophy – Workshop on Alternatives to Liberal Constitutionalism: Popular, Political, Deliberative*, University of Lucerne, 11-12

Kaidatzis. Akritas.(2018)"Populist Constitutionalism as a Critique on Liberal (or Legal) Constitutionalism". Paper submitted to the Workshop ‘New constitutionalism? New forms of democracy and rule of law beyond liberalism’, *International Institute for the Sociology of Law*, Oñati 12-13.7.. 1–18

Kavanaugh,Aileen,(2003)“Participation and Judicial Review: A Reply to Jeremy Waldron” *LAW AND PHILOSOPHY*. vol22. 451-486

Knowles, Helen J. & Julianne A. Toia,(2014)“Defining ‘Popular Constitutionalism’: The Kramer versus Kramer Problem,” *Southern University Law Review* . Vol. 118, No. 5 . 1594-1640

Kramer, Larry D,(2005)“Undercover Anti-populism,” *Fordham Law. Review*. vol73. 1343-1359

Kramer, Larry D,(2004) “Popular Constitutionalism,” *California law review*. Vol92 .959-1012

Kramer, Larry D.(2001),“The Supreme Court 2000 Term Forward: We the Court,” *Harvard Law Review* vol115 . 4-169

Landau, David,(2018)“Populist Constitutions”, *University of Chicago Law Review*: Vol. 85: Iss. 2, Article 3. 521-544

Landau, David, (2013) "Abusive Constitutionalism" UC Davis Law Review. Vol47. No1. 189-260

Law, David S. & Mila Versteeg, (2013). "Sham Constitutions", CALIFORNIA LAW REVIEW. Vol. 101. 863-952

Moyn, Samuel (2021) "On Human Rights and Majority Politics", **Vanderbilt Law Review** vol 52

Mudde & Cristóbal Rovira Kaltwasser, (2013) "Exclusionary vs. Inclusionary Populism: Comparing Contemporary Europe and Latin America", Government and Opposition Volume 48 Issue 2. 147 - 174

Mudde, C. (2013) "Are Populists Friends or Foes of Constitutionalism?", The Foundation for Law, Justice and Society in association with the Centre for Socio-Legal Studies and Wolfson College, University of Oxford [http://www.fljs.org/sites/www.fljs.org/files/publications/Mudde\\_0.pdf](http://www.fljs.org/sites/www.fljs.org/files/publications/Mudde_0.pdf). 1-7

Nash, K. (2016) "politicising human rights in Europe: Challenges to legal constitutionalism from the Left and the Right". **The International Journal of Human Rights**, vol. 20. No8

Norris, Pippa, (2017) "Is Western Democracy Backsliding? Diagnosing the Risks", HKS Working Paper No. RWP17-012.1-26

Parker, Richard D. (1993) "Here, the people rule": A constitutional populist manifesto," Valparaiso University Law Review. vol27 .531-584

Post, Robert & Reva Siegel, (2004) "Popular Constitutionalism, Departmentalism, and Judicial Supremacy". CALIFORNIA LAW REVIEW. Vol 92.1027-1044

Pozen, David E. (2010) "Judicial Elections as Popular Constitutionalism," Columbia Law Review. vol110. 2047-2134

Roach, Kent, (2004) "Dialogic Judicial Review and its Critics", SUPREME COURT LAW REVIEW, vol23. 49 . 49-104

Scheppele, Kim Lane (2004) "Counter-constitutions: Narrating the Nation in Post-Soviet Hungary", paper given at George Washington University, Washington DC, 2 April 519 – 543

Scheppele, Kim Lane, (2018) "Autocratic Legalism", University of Chicago Law Review. Vol85. 545-584

Siegel, Jonathan R. (2012) "The Institutional Case for Judicial Review," Iowa Law Review. vol97 .1147-1199

Tushnet, Mark, (2003) "Alternative Forms of Judicial Review", MICHIGAN Law. Review. vol101 .2781-2802

Tushnet, Mark, (2017). "The Possibility of Illiberal Constitutionalism", Florida law review. vol69.1367-1384

Tushnet, Mark (2015) "Constitutional Law: Critical and Comparative" Harvard Public Law Working Paper. No. 15-09.1-11

Tushnet, Mark, (2013) "The Relation between Political Constitutionalism and Weak-Form Judicial Review" Journals German Law Journal Volume 14 Issue 12 .2249-2263

Tushnet, Mark. (2006) "Popular constitutionalism as political law", Chicago-Kent Law Review. vol81.991-1006

Urbainati, N (1998) "Democracy and populism," Constellations, vol 5. No1. 110-124

Waldron, Jeremy, (2006) "The Core of the Case Against Judicial Review", YALE Law. Journal. Vol115.1346-1406

Waldron, Jeremy, (2010) Constitutionalism—A Skeptical View <http://scholarship.law.georgetown.edu/hartlecture/4> . 1-46

Werhan, Keith. (2012) "Popular Constitutionalism, Ancient and Modern". University of California, Davis. Vol. 46.65-131

#### Populist Constitutionalism and concept of the Constitution

Constitutionalism is one of the important concepts of legal science, especially in constitutional law. In this regard, this concept has been formed in many interpretations in legal thought. One of the types of this concept is populist constitutionalism, which has attracted the attention of legal researchers in the last decade. This article, using a descriptive-analytical method and relying on the most important sources

regarding this concept and Comparative study of the subject in different countries, seeks to answer the question of what populist constitutionalism is and what its characteristics are. The constitution has a different meaning for populists than its common meaning among jurists. Hence, some issues included in the constitutions, such as constitutional proceedings, elections, and an independent judiciary, are transformed in populist thought. Populist constitutionalism view of the constitution is instrumental. By relying on the concept of the people, they try to eliminate intermediary institutions such as representation and oppose ideas related to democracy. An attempt has also been made to determine the relationship of populist constitutionalism with close and bordering concepts such as political constitutionalism and

Keywords: Political constitutionalism, popular constitutionalism, populist constitutionalism, constitution, constitutionalism